

تبیین رضایت نوجوانان تهرانی از زندگی خانوادگی شان بر حسب میزان تحقق نظم در خانواده: آزمونی تجربی از کارایی نظریه نظم در سطح خرد

مسعود گلچین^۱
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم
علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
شاپور زردموی اورد کلو^۲
پژوهشگر معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی
واحد دانشگاه علامه طباطبایی
(تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۳/۲۵، تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۱۰/۶)

چکیده:

در کشور ما طی سال‌های اخیر، مطالعات پیمایشی چندی پیرامون موضوع رضایت از زندگی صورت گرفته که در برخی از آنها رضایت از زندگی خانوادگی افراد نیز مورد توجه بوده است. اما آشکارا سهم مطالعات مستقل برای بررسی رضایت افراد از زندگی خانوادگی اندک بوده است. در این نوشتار کوشش شده است تا با اتکای بر نظریه نظم در سطح خرد و زمینه‌سازی ارضای نیازهای نوجوانان از این طریق، رضایت آنها از زندگی خانوادگی شان تبیین گردد. در این راستا نظم در خانواده (در معنای جامعه‌شناختی آن) به عنوان متغیر بنیادی و متغیرهای ارضای نیازها، احساس آزادی، امنیت و عدالت به عنوان متغیرهای واسطه‌ای و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان به عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی واقع شدند. داده‌ها در چارچوب روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. جمعیت آماری شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر تهران است که از میان این جمعیت، ۴۲۰ نفر بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از هفت منطقه ۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶ و ۱۹ انتخاب شدند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که: ۱- بر اساس نمرات میانگین شاخص‌های ابعاد چهارگانه نظم، همبختی بیشترین میزان تحقق (۴/۴۳) و همگامی کمترین میزان تحقق (۳/۶) را در خانواده‌ها

^۱. آدرس الکترونیکی: Golchin_masoud@yahoo.com

^۲. آدرس الکترونیکی: shz1361@yahoo.com

داشته است. ۲- به طور کلی نظم در خانواده‌های مورد بررسی، در حد متوسط (میانگین = ۳/۴۱ از ۵) است و پاسخگویان در حد بالایی از زندگی خانوادگی شان احساس رضایت (میانگین = ۴/۲۲ از ۵) می‌کنند. ۳- کمترین میزان ارضای نیاز بر حسب میانگین متعلق به احساس آزادی و بیشترین آنها مربوط به نیاز تعلق‌پذیری و عشق بوده است. ۴- در این تحقیق عوامل مؤثر بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی در دو سطح فردی و میانی مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح میانی (خانواده) نشانه‌هایی وجود دارد دال بر این که بین تحقق نظم در خانواده در حالت کلی آن ($R = 0.67$) و تحقق همدلی ($Beta = 0.35$)، همفکری ($Beta = 0.33$) و همگامی ($Beta = 0.13$) در خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نوعی رابطه علی موجود است. در خصوص مشکلات چهارگانه خانواده حل مشکلات تربیتی خانواده ($Beta = 0.30$) در وهله اول و معاشرتی و تمشیتی ($Beta = 0.17$) در مرحله دوم، و در سطح فردی نیز ارضاء نیازهای تعلق‌پذیری و عشق ($Beta = 0.38$)، نیاز به احترام ($Beta = 0.29$) و نیازهای شناختی ($Beta = 0.17$) بیشترین تأثیر را در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی داشتند که تأییدی بر این نظر است: بعد از تأمین حداقلی از نیازهای جسمانی و مادی، نیازهای روانی و اجتماعی انسان اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری پیدا می‌کنند.

واژگان کلیدی: رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی، نظم در سطح خرد، شانزده مسئله ژنریک، ارضای نیاز، احساس آزادی، احساس عدالت، احساس امنیت.

مقدمه و طرح مسئله

سنجش رضایت از زندگی از مباحث مهم اجتماعی است که نسبتاً دیر به حوزه علوم اجتماعی راه یافت. با وجود آنکه این موضوع ذیل مفهوم کلی‌تر کیفیت زندگی و در واکنش به سنجش‌های اقتصادی طرح شد، بررسی آن به سرعت به حوزه‌ای مستقل و مهمی در علوم اجتماعی تبدیل گشت. شاخص رضایت از زندگی در یک جامعه، مفهوم فراگیر و در عین حال پایداری است که منعکس‌کننده احساس و نظر کلی مردم آن جامعه نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند و اهمیت آن بخاطر دلالت‌هایی است که نسبت به ویژگی‌های پایدار نظام اجتماعی در بر دارد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۵۳). رضایت از زندگی، پدیده‌ای است که پیامدهای خاص خود را دارد و با مقولات مهم دیگری مانند بیگانگی، کاهش اعتماد اجتماعی و بی‌هنجاری در ارتباط است. برهم خوردن توازن بین اهداف فردی و خانوادگی و نیازهای افراد با شرایط عینی که

معمولاً در اثر موانع خاص ایجاد می‌شود، موجب ناکامی است که می‌تواند به شکل نارضایتی بیان شود. رضایت را نمی‌توان بدون توجه به نیازها و میزان ارضای آنها مورد مطالعه قرار داد. تنها بعد از برآورده شدن نیاز است که مسئله رضایت مطرح و قابل سنجش خواهد بود. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان کوشیده‌اند با شناخت نیازهای انسان و طبقه‌بندی آنها در سیستم‌های رتبه‌بندی گوناگون، الگویی از نیازها بوجود آورند و در مراحل بعد برای بررسی و اندازه‌گیری میزان رضایت در صورت برآورده شدن یا نشدن نیازها در عرصه عمومی و خصوصی، سنججه‌ها و شاخص‌های مناسبی را تدوین کنند. (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۰).

در کنار مطالعاتی که رضایت از زندگی مردم را به طور عام یا بر حسب موقعیت‌های خاص سنی، جنسیتی، شغلی، تحصیلی، طبقاتی و ... ارزیابی می‌کنند، برخی از پژوهش‌ها از جمله مطالعه‌ای که مبنای تدوین این مقاله بوده است، بررسی میزان و عوامل مؤثر بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی را مورد توجه قرار داده‌اند.

در عرصه خصوصی، فقدان یا کاهش شدید رضایت از زندگی خانوادگی به احتمال بسیار به معنی آن است که خانواده در آینده آبستن نارسایی‌ها، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی قابل توجه و نگران‌کننده‌ای خواهد بود به طوری که ممکن است با هر اتفاق و حادثه کوچکی این توانایی منفی از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل شده و امکان بروز پیدا کند. بر این اساس می‌توان پایین بودن شاخص رضایت از زندگی خانوادگی را به منزله زنگ خطر و نشانگری گویا از ظرفیت آسیب‌شناختی خانواده تلقی کرد.

هر چند که آمار و اطلاعات دقیقی درباره میزان رضایت از زندگی خانوادگی در ایران وجود ندارد، اما با نگاهی به آمار مشکلات خانوادگی، طلاق، تجاوز به محارم، فرار از خانه، مسائل روحی و روانی جوانان تا حدی می‌توان پیامدها و یا لاقفل همبسته‌های عدم رضایت از زندگی خانوادگی را در سطح جامعه لمس کرد.

بر اساس نتایج برخی از تحقیقات انجام شده در زمینه آسیب‌های اجتماعی می‌توان گفت: میانگین سنی روسپیان که در سال‌های قبل از انقلاب حدود ۳۵ سال بوده، امروز به زیر ۲۰ سال تقلیل پیدا کرده است. (عبدلهی، ۱۳۸۳: ۳۳). ۱۲/۳٪ کسانی که در بین سال‌های ۷۶ الی ۸۰ اقدام به خودکشی کرده‌اند، کودکان و نوجوانان بوده‌اند. ۴۹/۳۵٪ از

فراریان از منزل را کودکان و نوجوانان تشکیل داده‌اند که انگیزه آنان از این کار رها شدن از شرایط نامطلوب در خانواده و دستیابی به شرایط بهتر بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۳ - ۱۲۲).

در گزارش «وضعیت، نگرش و مسائل جوانان ایران» که توسط سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۱ انتشار یافته است، پاسخ‌های موافق به سؤال «خانواده‌ام نسبت به من اعتماد ندارند» ۷۸/۴٪ می‌باشد. در همان گزارش جوانان آرام خانواده ۲۵/۴٪، سرزنش شدن جوانان توسط خانواده ۵۴/۲٪، اهانت و تنبیه کلامی ۲۹/۵٪، درگیری والدین ۴۲/۵٪، عدم درک و عدم توجه به نیازهای جوانان از سوی مادر ۲۰/۸٪ و از سوی پدر ۲۷/۸٪ گزارش شده است. از سوی دیگر در آن گزارش در بررسی وضعیت سلامت روانی جوانان آشکار شده است که امید به زندگی در میان ۳۶٪ جوانان ۲۹-۱۴ ساله در حد پایینی است، در حدود ۴۲٪ از آنان اعتماد به نفس و عزت نفس بالایی ندارند. ۵۱٪ جوانان دچار معضل روانی، اضطراب و ۵۴٪ جوانان دچار سطوحی از افسردگی هستند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۷۵ - ۶۰).

بیان آمارهای فوق‌الذکر به هیچ وجه به معنی تأیید صحت و دقت آنها در این مقاله نبوده، بلکه در مجموع منظور این بوده است که نشان داده شود، نوجوانان و جوانان جامعه ما به اشکال گوناگون با حدی از مسائل و معضلات روانی و اجتماعی روبرو هستند که نمی‌تواند از سوی پژوهشگران حوزه‌های مربوطه نادیده انگاشته شود.

بدیهی است، در بروز این آسیب‌ها و نارسایی‌ها عوامل بسیاری دخالت دارند، اما اگر تنها بر روی دوره نوجوانی متمرکز شویم، خانواده را می‌توان به علت تأثیر عمیقی که بر نوجوانان دارد، عامل تبیین‌کننده بسیار مهم موارد فوق‌الذکر فرض کرد.

تبیین نقش خانواده و به ویژه توضیح ساز و کار تأثیرگذاری خانواده در بروز آسیب‌های رفتاری نوجوانان اعم از مواردی که ماهیت روان‌شناختی دارد یا آنهایی که بیشتر جنبه جامعه‌شناختی یا اجتماعی دارند به واسطه تأثیری که خانواده بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی بر جای می‌گذارد، از راه‌های گوناگون و بر اساس پیش‌فرض‌های نظری متفاوتی امکان‌پذیر است. در این مقاله، محققان بر آن بوده‌اند تا در قالب یک مطالعه پیمایشی بر روی نمونه‌ای از نوجوانان تهرانی بر اساس این پیش‌فرض نظری که میزان تحقق نظم در گروه‌های کوچک (به شرحی که خواهد آمد) زیرساخت لازم برای شکل‌گیری رضایت از زندگی را در اعضای آن گروه‌ها فراهم می‌آورد، خانواده

را به منزله گروهی بنیادین و کوچک در نظر گرفته، رابطه میزان تحقق نظم را با میزان رضای نیازهای مختلف نوجوانان و در نتیجه درجه رضایت شان از زندگی خانوادگی مورد بررسی قرار دهند.

بنابر این پرسش های تحقیق را به صورت زیر می توان مطرح کرد:

۱- میزان تحقق نظم و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان در نمونه مورد بررسی چقدر است؟

۲- چه رابطه ای میان میزان تحقق نظم در خانواده به طور مستقیم و نیز به واسطه رضای نیازهای مختلف نوجوانان با رضایت آنها از زندگی خانوادگی شان وجود دارد؟ همچنین با توجه به آن که تحقق نظم در گروه های کوچک وابسته به حل چهار مشکل همفکری، همدلی، همگامی و همبختی در چهار حوزه معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی است، می توان پرسش های تکمیلی زیر را نیز بر سوالات اولیه تحقیق افزود.

۳- چه رابطه ای میان میزان تحقق هر یک از ابعاد چهارگانه نظم (همفکری، همدلی، همگامی و همبختی) با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان وجود دارد؟ و سهم کدام یک از این ابعاد در تبیین متغیر وابسته تحقیق بیشتر است؟

۴- چه رابطه ای میان میزان حل هر یک از مسائل خانواده در حوزه های چهارگانه معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان وجود دارد؟ و حل کدام یک از این مسائل در تبیین متغیر وابسته تحقیق اهمیت بیشتری دارد؟

۵- و سرانجام از بین ۱۶ مسئله ژنریک خانواده، کدام مسئله ها در بین خانواده های مورد بررسی در اولویت قرار گرفته اند؟ به عبارت دیگر کدام یک از این شانزده مسئله ژنریک در تبیین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی سهم بیشتری دارند؟

پیشینه تحقیق

- منوچهر محسنی و پرویز صالحی در پژوهشی با عنوان «بررسی رضایت از زندگی خانوادگی» در سال ۱۳۸۲ به نتایج زیر دست یافتند: الف - میزان رضایت از زندگی خانوادگی در گروه های سنی مختلف، در حد بالا و نزدیک به هم بدست آمد. در میان جوانان ۸۴/۹٪، میانسالان ۸۱/۴٪، بزرگسالان ۷۹/۸٪ و سالمندان ۸۱/۷٪ از زندگی خانوادگی خود اظهار رضایت داشته اند. باقیمانده درصد مربوط به هر گروه، متعلق به

افراد ناراضی و تا حدی راضی بوده است. ب - مقدار نارضایتی در جوانان کمتر است و به نظر می‌رسد با افزایش سن، نارضایتی از زندگی خانوادگی اندکی بیشتر می‌شود. جوانان (۱/۳٪)، میانسالان (۲/۷٪)، بزرگسالان (۳/۳٪) و سالمندان (۲/۲٪). هر چند از لحاظ آماری رابطه دو متغیر گروه سنی و رضایت از زندگی خانوادگی در حد اطمینان‌آوری معنادار نیست. ج - نسبت کسانی که از زندگی خانوادگی خود ابراز رضایت کرده‌اند در میان افراد مجرد، بیشترین مقدار (۸۴/۳٪) و سپس افراد همسر دار (۸۱/۷٪)، همسر فوت شده (۷۵/۳٪) و طلاق گرفته (۵۳/۱٪) بوده است. همچنین افراد راضی از زندگی خانوادگی در خانوارهای بزرگ (۸۰/۴٪)، متوسط (۸۴/۱٪) و کوچک (۸۰/۱٪) بوده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت، در این پژوهش میزان رضایت از زندگی خانوادگی بر حسب متغیرهای مختلف و به طور کل، در حد نسبتاً بالایی گزارش شده است. د - در مدل رگرسیونی چند متغیره تبیین رضایت از زندگی خانوادگی، سه دسته متغیرهای جمعیتی (سن، وضع تأهل و بعد خانوار)؛ فرهنگی (وضع سواد، اطلاعات عمومی، کاربرد رسانه‌ها و جبرگرایی) و اقتصادی (سطح درآمد) وارد معادله شده‌اند. از میان متغیرهای مذکور، تنها سه متغیر اطلاعات عمومی (۰/۰۹)، درآمد خانوار (۰/۰۶) و وضع تأهل (۰/۰۵-) به ترتیب بیشترین میزان تأثیر را در تبیین متغیر وابسته دارند (محسنی و صالحی، ۱۳۸۲: ۱۱۷). بر حسب این نتایج می‌توان گفت، با فرض کنترل سایر متغیرها، کسانی که اطلاعات عمومی بیشتر دارند، مجرد هستند و از وضعیت درآمد خانوادگی بالاتری برخوردارند، رضایت بیشتری از زندگی خانوادگی خود ابراز داشته‌اند.

- یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) در زمینه «میزان رضایت افراد از خانواده» حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان، تحصیل کرده‌ها نسبت به بی‌سوادها و مجردها نسبت به متأهلان از خانواده‌شان بیشتر راضی هستند. همچنین افرادی که بین سنین ۱۵-۲۹ سال قرار دارند، در مقایسه با سایر گروه‌های سنی رضایت بیشتری از خانواده خود دارند (۸۵/۷٪ = راضی). با بررسی وضعیت اشتغال پاسخگویان، این نکته آشکار می‌شود که افراد شاغل و محصل نسبت به دو گروه بیکار و خانه‌دار از خانواده‌شان رضایت بیشتری داشتند (فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲: ۷۹).

همچنین در این پژوهش در پاسخ به سوال «به طور کلی چقدر احساس خوشبختی

می‌کنید؟»، نتایج نشان داد، مردان در مقایسه با زنان بیشتر احساس خوشبختی می‌کنند و تقریباً با بالا رفتن سن، افراد کمتر خود را خوشبخت می‌دانند. رابطه بین تحصیلات و احساس خوشبختی مثبت است. بدین معنی که هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر می‌رود، احساس خوشبختی او هم بیشتر می‌گردد. افرادی که شاغل یا محصل هستند نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر احساس خوشبختی می‌نمایند. اما کسانی که متأهل هستند بیشتر از افراد مجرد، خود را خوشبخت می‌دانند (فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲: ۸۵).

به طور کل می‌توان گفت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میزان رضایت از خانواده و میزان احساس خوشبختی، در میان افراد مورد بررسی، بر حسب متغیرهای مختلف، در حد نسبتاً بالایی گزارش شده است.

- سلمان صفدری در پایان‌نامه خود در سال ۱۳۸۴ تحت عنوان «رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، رضایت را در سطح عمومی و چهار بعد رضامندی از اوضاع فردی، رضایت از نهادها و سازمان‌ها، رضایت از اوضاع سیاسی و رضامندی کلی از زندگی بررسی کرده است. محقق در این پژوهش به نتایج زیر دست یافته است:

الف - در بعد رضایت از اوضاع فردی، ۲۸٪ از پاسخگویان دارای رضایت کم، ۳۳٪ دارای رضامندی متوسط و حدود ۳۲٪ دارای رضامندی بالا می‌باشند. ۲۴٪ پاسخگویان رضامندی کلی خودشان را از زندگی کم، ۴۳٪ متوسط و ۲۳٪ بالا اعلام کرده‌اند. ب - شش متغیر اسناد مشکلات به دولت، اعتماد اجتماعی، ارزیابی مثبت از روند بهبود جامعه (ارزیابی مثبت از گذشته)، احساس امنیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی بطور مستقیم و امکان ارضاء نیاز، تحقق اهداف، اعتماد سیاسی و ارزیابی از نابرابری بطور غیرمستقیم رضایت کلی از زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

- در سال ۱۳۸۶، جواد علیزاده در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشی با عنوان «بررسی رضایت از زندگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» انجام داده است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش عبارتند از: الف - میزان رضایت افراد از زندگی نسبتاً در سطح بالایی بوده است. ب - بین احساس ارضاء نیاز، احساس امنیت، احساس آزادی و احساس عدالت با رضایت از زندگی رابطه مستقیم وجود دارد. ج - در بررسی همزمان همه متغیرها، احساس امنیت و احساس ارضاء نیاز و در بین متغیرهای زمینه‌ای وضعیت تأهل و سطح درآمد افراد،

به ترتیب دارای بیشترین رابطه با میزان رضایت از زندگی بوده‌اند. د - میزان احساس محرومیت نسبی و دینداری می‌توانند اثر متغیرهای مستقل تحقیق بر رضایت افراد از زندگی را تحت تاثیر قرار دهند. ه - افراد هرچه دیندارتر باشند از رضایت بیشتری برخوردارند. و - احساس محرومیت نسبی دارای رابطه معکوس با احساس رضایت از زندگی است. ز - میزان رضایت افراد از عرصه‌های خصوصی زندگی شان در مقایسه با عرصه‌های اجتماعی و عمومی بالاتر است.

- در تحقیقات خارجی می‌توان به پژوهش هنری کارولین اشاره کرد. در این تحقیق نتایج حاکی از آن است که رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی به ترتیب بیشترین همبستگی را با حمایت والدین، انعطاف‌پذیری خانواده، پیوند خانوادگی، تنبیهات خانوادگی (همبستگی منفی) و استدلال‌های والدین، دارد. ویژگی‌های نظام خانواده بطور کلی ۳۷٪، رفتارهای والدین تنها ۷٪ و متغیرهای جمعیتی تنها ۶٪ از واریانس متغیر وابسته را (رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی) تبیین می‌کنند. در نتیجه‌گیری پژوهش محقق به ۴ نتیجه اصلی می‌رسد:

الف - فهم نوجوانان از انعطاف‌پذیری خانوادگی و پیوند خانوادگی با رضایت آنان از زندگی خانوادگی شان رابطه مثبتی دارد. ب - حمایت والدین از فرزندانشان و برداشت نوجوانان از آن منجر به رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی می‌شود در حالی که تنبیهات والدین اثر منفی بر جای می‌گذارد. ج - افزایش سن نوجوانان باعث می‌شود که رضایت آنان از زندگی افزایش یابد. این در حالی است که جنس، رابطه معناداری با متغیر وابسته نداشته است. د - نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌سرپرست و خانواده‌های ناتنی زندگی می‌کنند نسبت به نوجوانانی که در خانواده‌های معمولی زندگی می‌کنند رضایت کمتری از زندگی خانوادگی دارند. (کارولین ۱۹۹۴)

- از دیگر پژوهش‌های خارجی می‌توان به یک رساله دکتری با عنوان «تأثیر برداشت نوجوانان از اختلاف‌های والدین، عوامل استرس‌زا و استراتژی‌های مقابله، بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی» اشاره کرد. اهم نتایج این رساله عبارتند از: الف - سه بعد اختلاف‌های خانوادگی (اختلاف درباره تربیت کودکان، اختلاف درباره نقش‌های خانوادگی و درجه شدت اختلاف‌ها) با رضایت دختران نوجوان از زندگی خانوادگی در

ارتباط بوده در حالی که تنها بعد اختلاف درباره تربیت کودکان با رضایت پسران از زندگی خانوادگی ارتباط معنادار داشته است. ب - برداشت نوجوانان از عوامل استرس‌زا بر هر دو جنس تأثیرگذار است و رضایت آنها را تغییر می‌دهد. ج - متغیر استراتژی‌های مقابله فقط برای دختران معنادار است و رضایت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پلانکت اسکاتی و این ۱۹۹۹).

با بررسی تحقیق‌های گزارش شده، می‌توان به نکات مشترکی رسید که توجه به آنها برای تدوین چارچوب نظری تحقیق می‌تواند مفید باشد. نکات مزبور از این قرارند:

- بالا بودن میزان رضایت از زندگی به طور کل و زندگی خانوادگی به طور خاص در بیشتر مطالعات به خصوص در گروه‌های سنی پایین‌تر یعنی جوانان و نوجوانان و در میان مردان و افراد مجرد، تحصیل کرده و شاغل

- تأثیر قابل توجه برخی از متغیرهای خانوادگی بر رضایت افراد از زندگی خانوادگی که با ابعاد و اجزایی از متغیر مستقل پژوهش حاضر نزدیکی و تناسب معنایی دارند، مانند فضای روابط خانوادگی، نحوه رفتار والدین، حمایت والدین، انعطاف‌پذیری خانواده، پیوند خانوادگی، تنبیهات خانوادگی (همبستگی منفی) و استدلال‌های والدین و در مجموع ویژگی‌های نظام خانواده، میزان اختلاف در حوزه‌های تربیتی، تقسیم نقش‌ها و به طور کل شدت اختلاف یا میزان همدلی، همفکری و همگامی در خانواده به ویژه در امور تربیتی و معاشرتی.

- اهمیت ارضای نیازهای فرد به طور کل و ایجاد میزان بالاتری از رضایت افراد در خانواده

- وجود رابطه مثبت میان احساس آزادی، احساس امنیت و به ویژه احساس عدالت یا پایین بودن احساس محرومیت نسبی در ایجاد رضایت از زندگی به طور کلی و رضایت از زندگی خانوادگی به طور خاص

چارچوب نظری

میزان رضایت هر فرد از زندگی مقوله‌ای است که از دو عامل نیازهای انسان و چگونگی پاسخگویی به آنها و ویژگی‌های اخلاقی یا نظام ارزشیابی وی تبعیت می‌کند. به این معنا که هر چه نیازهای انسان بیشتر مرتفع شود و در عین حال امیال، آرزوها و خواسته‌های او

در فرایند جامعه‌پذیری معقول‌تر و محدودتر شوند، انسان رضایت بیشتری از زندگی خواهد داشت. (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۹۳ و دورکیم ۱۹۵۱: ۲۴۸) به عبارت دیگر، آن هنگام که نظام ارزش‌ها و باورهایی که فرد به عنوان نوعی وجدان اخلاقی از جامعه دریافت کرده است، بتواند در مقابل آرزوهای افسارگسیخته مقاومت کند و او را به داشته‌های خود راضی نگه دارد، آن شخص رضایت بیشتری از زندگی خواهد یافت. (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۹۱ و کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۴۲۳).

چنان‌چه برای تحلیل میزان رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی‌شان گزاره‌های نظری پیشین را مبنای کار خود قرار دهیم، یعنی وابستگی میزان رضایت افراد به کمیت و کیفیت ارضای نیازهای آنها در چارچوب ساختار خانواده و در بستر فرایند اجتماعی‌شدن آنها، دست کم به طور مستقیم و در محدوده رویکرد نظری و طراحی پژوهشی این مطالعه با دو دسته از تئوری‌ها مواجه خواهیم بود: دسته اول، تئوری‌های رضایت هستند که در سطح فردی (خرد) به کم و کیف و چگونگی ارضاء نیازها، فرآیند مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت می‌پردازند. نظریه نیازهای مازلو در این دسته جای می‌گیرد. مطابق این نظریه (مازلو، ۱۳۷۵) ارضاء نیازهای فیزیولوژیک، امنیت، تعلق‌پذیری و عشق، احترام و شناختی در تأمین رضایت کلی از زندگی و از جمله رضایت افراد از زندگی خانوادگی به عنوان متغیرهای بلافصل یا علل قریب مؤثر هستند. در سطح تجربی نیز یافته‌های بسیاری وجود دارد که مؤید گزاره نظری فوق‌الذکر است. همچنین مشخص شده است که میزان رضایت کلی از زندگی و رضایت خانوادگی افراد با مؤلفه‌هایی از قبیل احساس امنیت، احساس آزادی و احساس عدالت پیوند قابل توجهی دارد. (صفدری، ۱۳۷۴ و علیزاده، ۱۳۸۶).

دسته دوم، یعنی تئوری‌های نظم در سطح خرد، نظم در خانواده را در معنای جامعه‌شناختی آن مورد مذاقه قرار داده، شرایط و زیرساخت‌های امکان‌تأمین مطلوب یا نامطلوب نیازها و خواسته‌های افراد را باز می‌نمایند. به عبارت دیگر، نظم در خانواده را باید به منزله یک عامل سطح میانی، در حکم بستر و زیربنایی فرض کرد که عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی خانوادگی ریشه در آن دارند.

نظم اجتماعی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان طبقه‌بندی کرد. در سطح خرد، فرد و تعامل دو عنصر اساسی سازنده جامعه هستند. «از لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است. یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری. در تعامل با وجه صرفاً ابزاری،

دیگری و تعامل برای کنشگر جنبه کاملاً ابزاری دارد. در معنای محدود کلمه، سنخ عالی چنین تعاملی، نوعی مبادله سرد است. چنین تعاملاتی معمولاً زیاد انجام می‌شوند و بیشتر دارای خصلت تصادفی و مشروط هستند. این گونه تعاملات به تنهایی نمی‌توانند دوام بیاورند و خصلت تصادفی خود را از دست می‌دهند.

اما آنچه افراد را به هم پیوند می‌دهد و باعث تکرار، دوام و شکل پیدا کردن تعاملات می‌گردد، بعد اظهاری تعامل است. در بعد اظهاری، تعامل فرد حائز ارزش درونی یا مصرفی است. به عبارتی تعامل هدف است و نه وسیله. از طریق تعامل اظهاری است که «ما» یا «اجتماع» یا گروه اجتماعی شکل می‌گیرد. یعنی سنگ بنای «ما» یا گروه اجتماعی، تعامل است مشروط بر اینکه تعامل صبغه اظهاری به خود بگیرد. با تشکیل «ما» یا گروه است که می‌توان صحبت از انگاره‌های منظم و نسبتاً پایدار تعاملات نمود. پس بهتر است گفته شود که در سطح خرد به لحاظ تحلیلی دو عنصر «فرد» و «تعامل» و اثر ترکیبی آنها، یعنی «ما» هر سه دست اندرکارند» (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۷ - ۱۶).

«با تشکیل ما می‌توان از نوعی نظم اجتماعی سخن گفت. این نظم اجتماعی همزمان دربرگیرنده افراد، تعاملات و ما است، «ما»یی که خود از دو عنصر افراد و تعاملات تشکیل شده است. جهت حفظ ما و بالطبع حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوی مواجه است. این چهار مشکل عبارت‌اند از: ۱. همفکری مشترک، ۲. همدلی مشترک، ۳. همگامی مشترک، ۴. همبختی مشترک» (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۹). این چهار مشکل برای هر گروه اجتماعی وجود دارد. هر گروه یا هر «ما»یی اگر این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد، دارای نظم است و نظم آن متعادل و با ثبات است، ولی اگر این چهار مشکل را داشته باشد نظم و تعادل خود را از دست می‌دهد و دچار اختلال می‌شود.

به این ترتیب، نظم اجتماعی در سطح خانواده دارای چهار مؤلفه اساسی است: الف) همبختی مشترک که مراد از آن، نفع مشترک و اقبال مشترک است و منظور از اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان نیاز متقابل افراد است به تشریک مساعی فیزیکی، که مظهر عالی این تشریک مساعی تقسیم کار است ب) همگامی مشترک به این معنا که، اعضای یک خانواده باید با همدیگر هماهنگی مشترک داشته باشند. چرا که افراد هر کدام در بعد ارگانیکی و ظرفیت اجرا منحصر به فرد بوده و علی‌رغم فرایند جامعه‌پذیری، قابل‌تصور

است که افراد هر کدام خواسته‌ها و تمنیات نسبتاً مختص به خود داشته باشند. ج) همدلی مشترک یعنی وجود همدلی متقابل و احساس تعلق مشترک که جوهره هر گروه و مایی است. د) همفکری مشترک یعنی اینکه اعضای خانواده دارای ارزش‌های مشترک بوده و نیز درک و ارزشیابی مشترک نسبی از یکدیگر داشته باشند (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۱). بدیهی است وجود این چهار مؤلفه اصلی نظم خرد در خانواده، زمینه مساعدتری برای ظهور عوامل سطح خرد رضایت فراهم می‌آورند.

از سوی دیگر برای هر کدام از این چهار مؤلفه نظم، به لحاظ تئوریک، می‌توان چهار حوزه در نظر گرفت. این حوزه‌ها، همان چهار مسئله اساسی‌ای است که خانواده برای ادامه حیات خود با آن‌ها روبروست. یعنی مسائل معیشتی (نیازهای فیزیولوژیکی)، تمشیتی (مدیریت خانواده)، معاشرتی (روابط بین اعضای خانواده و بین اعضای خانواده با بستگان، دوستان و کمیت و کیفیت آن) و مسائل تربیتی (چگونگی تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان) که اگر این مسائل بطور کامل حل نشوند، خانواده نخواهد توانست کارکردهای متعارف خود را داشته باشد. به این ترتیب از ضرب چهار مسئله نظم در سطح خرد با چهار مشکل خانواده یک ماتریس ۴×۴ بوجود می‌آید. بر این اساس می‌توانیم عنوان کنیم که هر خانواده‌ای با شانزده مسئله ژنریک مواجه است (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۶۹ - ۲۶۸). (نگاه کنید به جدول ۱).

جدول ۱ - ماتریس مسایل اصلی در چهار بعد خانواده

معیشتی	تمشیتی	معاشرتی	تربیتی	
۴	۳	۲	۱	همگامی
۸	۷	۶	۵	همبختی
۱۲	۱۱	۱۰	۹	همدلی
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	همفکری

بود و نبود یا شدت و ضعف چهار عنصر نظم و چگونگی حل این مسائل چهارگانه، در سطح میانی، تعیین‌کننده چگونگی نظم در زندگی خانوادگی است. نبود یا ضعف مؤلفه‌های نظم باعث می‌شوند، فرد قدرت کنترل و انطباق خود را نسبت به محیط، احساس تعهد و تعلق خود را نسبت به دیگران و خانواده از دست داده و به تدریج دچار آنومی و از

خود بیگانگی گردد، یعنی دچار نوعی سردرگمی، احساس جدایی و انزوا. در چنین وضعیتی حق و تکلیف و پیوندهای اعضای خانواده با یکدیگر نامعلوم و مبهم گردیده، تضاد منافع بین اعضای خانواده رخ داده، هویت جمعی اعضای خانواده تضعیف شده و نهایتاً فرد پاسخ مؤثر نسبت به نیازهای خود دریافت نمی‌نماید. در چنین خانواده‌ای نیازهای اقتصادی (فیزیولوژیکی و زیستی)، شناختی، احساس ایمنی، تعلق‌پذیری و عشق، احترام، احساس آزادی و عدالت نوجوانان به خوبی تأمین نشده و از آنجایی که احتمالاً همدلی و همفکری اعضای خانواده در وضعیت حداقلی قرار دارد و بر این اساس همبختی و همگامی نیز نقصان می‌پذیرد، قابل پیش‌بینی است که فرد از زندگی خانوادگی خود ناراضی باشد. به طور کلی، وجود نظم اجتماعی در خانواده، در معنایی که گفته شد، علی‌القاعده باید به پاسخ مناسب به نیازهای مختلف انسان و احساس تعلق و تعهد متقابل افراد خانواده به همدیگر منجر شود. از آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که بین نظم در خانواده و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نوعی تأثیر علی یا دست کم رابطه قابل توجه وجود دارد. رابطه‌ای که بر اساس آن میزان تحقق نظم در خانواده از طریق فراهم آوردن هر چه بیشتر امکان ارضای نیازهای نوجوانان و به طور همزمان ایجاد پایبندی‌ها و تفسیرهای سازگار از وضعیت ارضای نیازهای خود - یعنی کمک به پیدایش نوعی از اخلاق متناسب با سطح ارضای نیازها و وضعیت خانواده هر فرد - میزان رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان را تعیین و تبیین می‌نماید.

فرضیه‌ها

۱ - بین میزان تحقق نظم در خانواده و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان رابطه وجود دارد.

علاوه بر تأثیر تحقق نظم در حالت ترکیبی و به طور کلی (شامل ابعاد و حوزه‌های چهارگانه آن) - که علی‌القاعده بر مبنای چارچوب نظری تحقیق همین معنا از نظم در خانواده، معنای صحیح‌تر و کامل‌تر این سازه نظری را نشان می‌دهد - می‌توان فرض کرد، میزان تحقق و تأمین هر یک از ابعاد و مسائل نظم در خانواده به نوبه خود با میزان رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان رابطه مثبت و معنی‌دار داشته باشد. به این ترتیب می‌توان گفت:

- ۱-۱ - بین میزان تحقق هر یک از ابعاد چهارگانه نظم در خانواده (همبختی، همگامی، همدلی و همفکری) و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان رابطه وجود دارد.
- ۱-۲ - هر قدر مشکلات خانواده در حوزه‌های معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی بیشتر حل شده باشد، رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان بالاتر خواهد بود.
- ۱-۳ - بین میزان تأمین هر یک از مسائل شانزده گانه ژنریک در خانواده (یعنی، پاسخگویی به هر یک از مشکلات چهارگانه در هر یک از حوزه‌های فعالیت خانواده) با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان رابطه وجود دارد.
- ۲ - هر چه میزان ارضای نیازهای مختلف نوجوانان و احساس آزادی، امنیت و عدالت در خانواده نزد آنها بیشتر باشد، رضایت آنان از زندگی خانوادگی شان بالاتر خواهد بود.
- ۳ - از آنجایی که به لحاظ نظری برای شکل‌گیری و تداوم هر گونه مای‌گروهی و نظم در سطح خرد و به خصوص در خانواده، غلبه صیغه اظهاری تعاملات اهمیت بیشتری دارد و نیز به طور خاص وجود این گونه از تعاملات در خانواده می‌تواند به میزان بالاتری از رضایت اعضا منجر شود، می‌توان فرض کرد، سهم دو خرده بعد «همدلی» و «همفکری» و حوزه‌های «تربیتی»، «معاشرتی» و «تمشیتی» و نیز ارضای نیازهای «تعلق‌پذیری و عشق» و «مورد احترام و تصدیق واقع شدن» در تأمین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان در هر یک از فرضیه‌های فوق‌الذکر بیشتر از ابعاد عمدتاً ابزاری خانواده باشد.
- ۴ - هر چه میزان تحقق نظم و ابعاد آن در خانواده بیشتر باشد، امکان ارضای نیازهای مختلف نوجوانان و در نتیجه افزایش میزان رضایت آنها از زندگی خانوادگی شان بیشتر خواهد بود.

روش‌شناسی

جمعیت آماری و حجم نمونه: جمعیت آماری این تحقیق، دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی شهر تهران، در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ است. طبق آمار ارائه شده توسط سازمان آموزش و پرورش، تعداد کل دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران در این سال، (به جز دوره‌های بزرگسالان و دبیرستان‌های استثنایی) ۲۱۴۴۸۵ نفر بوده است. از این جمعیت، بر

اساس فرمول نمونه گیری کوکران به عنوان نمونه ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. با توجه به موضوع تحقیق، گستردگی شهر تهران و تعداد زیاد دانش آموزان، برای انتخاب افراد نمونه، از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین منظور، ابتدا از بین مناطق نوزدهگانه آموزشی، مناطق ۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶ و ۱۹ مشخص و از هر منطقه یک دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه به تصادف تعیین گردید^۱. سپس در هر مدرسه با توجه به پایه و رشته تحصیلی دانش آموزان و با استفاده از لیست کلاسی، افراد نمونه بصورت سیستماتیک انتخاب شدند. تعیین واحدهای نمونه و نحوه دستیابی به آنها به شیوه زیر انجام شد:

الف - تعیین سهم جمعیت هر منطقه در نمونه به نسبت جمعیت دانش آموزی منطقه به کل جمعیت آماری تحقیق و با توجه به نسبت جنسی دختران و پسران در جمعیت آماری کل.

ب - تقسیم سهم هر منطقه بین دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه متناسب با درصد آنها در همان منطقه

ج - تقسیم مساوی عدد بدست آمده برای سهم هر دبیرستان به سه پایه تحصیلی اول، دوم و سوم بر حسب کلاس‌ها و رشته‌های تحصیلی در هر پایه

د - انتخاب تصادفی سیستماتیک واحدهای نمونه بر اساس لیست هر کلاس پس از تقسیم رقم جمعیت هر کلاس به رقم تعیین شده برای هر کلاس در نمونه تحقیق و تعیین واحدهای نمونه با در نظر گرفتن رقم فاصله نمونه‌ای به طور چرخشی

ه - دانش آموزان منتخب به عنوان واحدهای نمونه پس از تعیین، در یک سالن یا مکان، دعوت شده و پس از ارائه توضیح لازم و توجیه آنها، پرسشنامه‌ها برای تکمیل در اختیارشان قرار گرفت.

روش جمع آوری داده‌ها: تحقیق حاضر به روش پیمایشی انجام شده است و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. تمامی پرسشنامه‌ها طی ۵ روز در مدارس منتخب شهر تهران از تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۸ تا ۱۳۸۷/۲/۲۲ با راهنمایی و نظارت پرسشگرانی که از

^۱ - تنها در منطقه ۴ به دلیل اینکه تقریباً دو برابر سایر مناطق، حجم نمونه را به خود اختصاص داده بود دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه انتخاب شد.

دانشجویان کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی و پژوهش علوم اجتماعی بودند، تکمیل شدند.

تعریف مفاهیم

متغیرهای مستقل

نظم

سنجش نظم اجتماعی خرد، به عنوان متغیر مستقل اصلی در این تحقیق مستلزم تعریف نظری و عملیاتی هر یک از ابعاد چهارگانه نظم (همبختی، همگامی، همدلی و همفکری)، بر حسب هر کدام از خرده‌بعدهای مربوطه یا حوزه‌های مسئله‌ای چهارگانه (معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی) خواهد بود. به این ترتیب با ضرب چهار بعد نظم در چهار حوزه‌ی مسئله‌ای، شانزده حالت (مسئله‌عام و مشترک گروه‌های اجتماعی کوچک از جمله خانواده) پدید می‌آید. بدیهی است، تعریف جامع نظم خرد و ساختن شاخص مربوط به آن با در نظر گرفتن همه موارد شانزده‌گانه مزبور امکان‌پذیر خواهد شد.

به منظور دست‌یافتن به شناختی عمیق‌تر از عملکرد مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نظم در این پژوهش، تحقق نظم در خانواده‌های پاسخگویان در یک شکل جامع و اصلی و در سه سطح فرعی به صورت زیر در نظر گرفته شد:

- ۱- هر یک از شانزده مسئله ژنریک با تعدادی گویه بر اساس طیف لیکرت و مطابق تعریف نظری آن که در ادامه خواهد آمد، عملیاتی شد و به صورتی کدگذاری گردید که همواره بیشترین حالت تحقق ابعاد در زمینه‌های چهارگانه، بالاترین نمره را دریافت کند. از ترکیب، گویه‌های شانزده مسئله ژنریک (مجموعاً ۶۱ گویه) در نهایت شاخصی کلی در سطح سنجش فاصله‌ای بدست آمد که برای هر یک از پاسخگویان معرف میزان تحقق نظم در خانواده‌های آنها بود. (حالت جامع و اصلی سنجش نظم)
- ۲- محاسبه چهار شاخص فرعی (در سطح فاصله‌ای) متشکل از گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد چهارگانه نظم خرد (تقریباً برای هر یک از ابعاد همبختی، همگامی، همدلی و همفکری، ۱۶ گویه)
- ۳- محاسبه چهار شاخص فرعی (در سطح فاصله‌ای) متشکل از گویه‌های مربوط به هر یک از حوزه‌های مسئله‌ای یا خرده‌بعدهای نظم (تقریباً برای هر یک از حوزه‌های معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی ۱۶ گویه)

۴ - محاسبه شازنده شاخص فرعی (در سطح فاصله‌ای) متشکل از گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد چهارگانه نظم در هر کدام از حوزه‌های مسئله‌ای مربوطه به طور جداگانه (برای هر بعد در هر حوزه مسئله‌ای تقریباً چهار گویه) که معرف میزان تحقق هر بعد مربوطه در زمینه مسئله‌ای خاص برای هر یک از پاسخگویان خواهد بود. مانند همفکری معیشتی یا همدلی معیشتی و

در حقیقت ماتریس مربوط به مؤلفه‌های نظم در سطح خرد در خانواده (نگاه کنید به چارچوب نظری) در چهار حالت کامل و یکجا، سطری، ستونی و نهایتاً به صورتی که هر یک از خانه‌های جدول جداگانه در نظر گرفته شود، مقیاس بندی و مورد تحلیل قرار گرفته است تا تبیین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان بر حسب هر یک از این حالات امکان پذیر گردد. (نگاه کنید به پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق).

در زیر تعریف نظری ابعاد و حوزه‌های مسئله‌ای نظم که در حقیقت همان شازنده مسئله ژنریک تحقیق را شامل می‌شود، آمده است.

الف) همفکری: به این معنا که در بین اعضای یک گروه درک، ارزشیابی و ارزش‌های مشترک وجود داشته باشد.

- **همفکری معیشتی:** عبارتست از درک، ارزشیابی و وجود ارزش‌های مشترک در زمینه نیازهای اساسی چون خوراک، پوشاک، مسکن و تأمین هزینه‌های زندگی در بین اعضای یک خانواده.

- **همفکری تمیشتی:** عبارتست از درک، ارزشیابی و وجود ارزش‌های مشترک در زمینه مسایل مدیریتی خانواده چون خرید و فروش‌ها و تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف.

- **همفکری معاشرتی:** عبارتست از درک، ارزشیابی و وجود ارزش‌های مشترک در زمینه روابط اجتماعی اعضای خانواده با بستگان و دوستان.

- **همفکری تربیتی:** عبارتست از درک، ارزشیابی و وجود ارزش‌های مشترک در زمینه مسایل تربیتی و تحصیلی فرزندان.

ب) همدلی: به معنای احساس تعلق مشترک اعضای یک گروه به همدیگر است.

- **همدلی معیشتی:** عبارتست از احساس تعلق مشترک اعضای یک خانواده در مسائل اقتصادی و فیزیولوژیک به همدیگر.

- **همدلی تمشیتی:** عبارتست از احساس تعلق مشترک اعضای یک خانواده برای مشارکت در مدیریت و اتخاذ تصمیم‌های مربوط به امور داخلی خانواده.
- **همدلی معاشرتی:** عبارتست از احساس تعلق و عاطفه مشترک اعضای یک خانواده در زمینه امور ارتباطی، معاشرتی، دوستی‌ها و رفت و آمدها.
- **همدلی تربیتی:** عبارتست از احساس تعلق مشترک اعضای خانواده در زمینه تربیت فرزندان و امور تحصیلی آنها.
- (ج) **همگامی:** همگامی به این معناست که اعضای یک گروه علیرغم خواسته‌ها و تمنیات شخصی و ویژه‌ای که دارند، بتوانند عملاً به نوعی وحدت عمل و اشتراک در اهداف برسند.
- **همگامی معیشتی:** عبارتست از وحدت عمل و اشتراک در اهداف اعضای خانواده در زمینه نیازهای فیزیولوژیک چون خوراک، پوشاک، مسکن.
- **همگامی تمشیتی:** عبارتست از وحدت عمل و اشتراک در اهداف اعضای خانواده در زمینه مسایل مدیریتی خانواده چون خرید و فروش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها.
- **همگامی معاشرتی:** عبارتست از وحدت عمل و اشتراک در اهداف اعضای خانواده در زمینه معاشرت و روابط اجتماعی و رفتن به مسافرت و گردش.
- **همگامی تربیتی:** عبارتست از وحدت عمل و اشتراک در اهداف اعضای خانواده در زمینه مسائل تربیتی و آموزشی.
- (د) **همبختی:** مراد از همبختی، نفع مشترک و اقبال مشترک است. نفع مشترک ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد. نیازهایی که تأمین آنها از طریق جمع و با مشارکت دیگران در جمع بیشتر ممکن است. منظور از اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان نیاز متقابل افراد به تشریک مساعی فیزیکی است.
- **همبختی معیشتی:** عبارتست از نفع مشترک و اقبال مشترک اعضای خانواده در زمینه نیازهای اساسی چون خوراک، پوشاک، مسکن و تأمین هزینه زندگی.
- **همبختی تمشیتی:** عبارتست از نفع مشترک و اقبال مشترک اعضای خانواده در زمینه مسایل مدیریتی خانواده چون خرید و فروش‌ها.
- **همبختی معاشرتی:** عبارتست از نفع مشترک و اقبال مشترک اعضای خانواده در زمینه

- معاشرت و روابط اجتماعی ای با بستگان و دوستان و رفتن به مسافرت و
- **همبختی تربیتی:** عبارتست از نفع مشترک و اقبال مشترک اعضای خانواده در زمینه تربیت فرزندان و امور آموزشی و تحصیلی.
- متغیرهای واسطه‌ای
- ارضای نیازها:** نیاز عبارت است از احساس فقدان یا حرمانی که به یک موجود زنده به جهت این که در جریان تحقق اهدافش، خود را فاقد آن چیز می‌بیند، دست می‌دهد (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۴۲ و رفیع پور، ۱۳۷۴: ۱۶ - ۱۴). آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد نه امکان ارضای نیاز یا توانایی ارضای نیاز بلکه میزان ارضای نیازها در جریان زندگی است. در این زمینه از نظریه نیازهای مازلو (۱۳۷۵) استفاده شد. مازلو نیازها را به نیاز فیزیولوژیک، نیاز امنیت، نیاز تعلق‌پذیری و عشق، نیاز احترام، نیاز خودشکوفایی و نیازهای شناختی طبقه‌بندی می‌کند.
- **نیازهای فیزیولوژیک:** منظور از نیازهای فیزیولوژیک - در دسته بندی مازلو - نیازهایی مانند غذا، پوشاک، مسکن و روابط جنسی می‌باشد.
- **نیاز به امنیت (احساس امنیت):** حالتی است که در آن فرد فارغ از آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۹) و از این بابت احساس نگرانی، ترس و تهدید نداشته باشد. اگر نیازهای فیزیولوژیک نسبتاً خوب ارضا شوند، آنگاه مجموعه جدیدی از نیازها پدید می‌آیند که می‌توانیم آنها را بطور کلی جزء نیازهای ایمنی طبقه‌بندی کنیم. امنیت خود دارای چهار بعد مالی، جانی، جمعی و فکری است و از آنجا که پژوهش حاضر در سطح خانواده انجام می‌شود، احساس امنیت فقط در سه بعد جانی، مالی و فکری مورد سنجش قرار گرفت^۱.
- **نیاز به تعلق‌پذیری و عشق:** در این نوع از نیاز، شخص تشنه داشتن روابط عاطفی با مردم بطور کلی، یعنی داشتن جایگاهی در گروه یا خانواده‌اش، خواهد بود و با شدت هر چه تمام‌تر خواهد کوشید تا به این هدف دست یابد.
- **نیاز به احترام:** «نیاز به احترام، منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو و قدرشناسی که نه فقط

^۱ - به دلیل اینکه علل موجدۀ امنیت جمعی، به عوامل بیرون از خانواده مرتبط است، در این پژوهش مورد سنجش قرار نگرفت.

از جانب مازلو بلکه افراد دیگری چون هگل (هگل ۱۹۸۱) و گهلن (گهلن ۱۹۶۴)، نیز بر آن تأکید داشته‌اند، موجب می‌شود که انسان‌ها از توییح و توهین ناراحت و از تشویق و تمجید خوشحال شوند. در اینجا تأکید می‌شود که تأثیر نیاز به احترام و عزت نفس بسیار قوی‌تر از نیازهای جسمی است» (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۴۸).

- **نیازهای شناختی:** مازلو معتقد بود که نیازهای شناختن و فهمیدن در اواخر نوباوگی و اوایل کودکی پیدا و بصورت کنجکاوی طبیعی کودک بیان می‌شوند. این نیازها فطری هستند و لازم نیست یاد گرفته شوند، اما جامعه به شکل مدارس و والدین، ممکن است بکوشند تا مانع از کنجکاوی خودانگیزانه کودک شوند. ناکامی در ارضای نیازهای شناختی، مثل ناکامی در ارضاء هر نیاز دیگری، زیانبخش است و می‌تواند جلوی رشد و کارکرد کامل شخصیت را بگیرد (شولتز، ۱۳۸۱: ۳۴۷).

- **احساس آزادی:** آزادی با صبغه مثبت و ایجابی ناظر به ارزیابی فرد از میزان چیرگی و تسلط بر شرایط و پیش بینی‌پذیری آن و همچنین شامل میزان دسترسی فرد به فرصت‌ها برای انجام امور مختلف است. به عبارت دیگر وجود راه‌های مشروع برای رسیدن به خواسته‌ها و برآورده شدن نیازهای مختلف فرد. (علیزاده، ۱۳۸۶: ۸۳)

به عقیده برلین، آزادی دارای دو معنای مختلف است؛ معنی منفی و معنی مثبت. در معنی منفی، فرد در قلمرویی قرار دارد که در داخل آن می‌تواند کار خود را انجام دهد و دیگران نتوانند مانع کار او شوند. (نبودن مانع برای اعمال خواسته و اراده شخصی) آزادی در معنای مثبت، عبارتست از موقعیتی که در آن فرد مایل است، آقا و صاحب اختیار خود باشد؛ به هیچ نیرویی از خارج وابسته نباشد؛ آلت فعل خود و نه آلت فعل دیگران باشد. (برلین، ۱۳۸۰: ۲۳۷) (داشتن امکان اعمال اراده و تحقق خواست خود)

- **احساس عدالت:** احساس فرد از وضعیتی که در آن تمام ارزش‌های اجتماعی (آزادی و خوشبختی، درآمد و ثروت و بنیان‌های عزت نفس) به نحو برابر توزیع شده، مگر اینکه توزیع نابرابر هریک یا همه این ارزش‌ها به نفع همه کس باشد (پاجمن، ۱۳۸۶: ۴۶).

متغیر وابسته

رضایت از زندگی خانوادگی: برای سنجش متغیر رضایت از زندگی خانوادگی به عنوان بخشی از مفهوم کلی‌تر رضایت از زندگی، تعاریف و مقیاس‌های متعددی که البته

اغلب در تعریف مفهومی و عملیاتی قرابت بسیار دارند، وجود دارد. در گزارش اصلی این پژوهش به دو مقیاس اولسون و هیوینر اشاره و استناد شده است. (زردموی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) نتایج حاصل از محاسبات مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق، یعنی متغیر رضایت از زندگی خانوادگی بر حسب هر دو مقیاس بسیار مشابه و مؤید یکدیگر هستند. (زردموی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

بر اساس نظر اولسون رضایت از زندگی خانوادگی عبارت است از میزانی که اعضای خانواده احساس شادی کرده و از همدیگر خرسند هستند (اولسون ۱۹۹۹؛ ۴) وی بر اساس ۱۰ گویه، این مفهوم را مورد سنجش قرار داده است. آلفای کرونباخ بدست آمده برای مقیاس رضایت از زندگی خانوادگی اولسون که در بین ۲۴۶۵ نفر از اعضای خانواده امتحان شده است ۰/۹۲ بوده و ضریب بدست آمده در روش آزمون - آزمون مجدد بالای ۰/۸۵ بوده است. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۹۰ بدست آمد.

اما مقیاس دوم که متعلق به هیوینر و همکارانش است، بخشی از مقیاس بزرگتری است که تحت عنوان MSLSS برای سنجش رضایت افراد در پنج زمینه خانواده، دوستان، مدرسه، خود و محیط زندگی طراحی شده و در پژوهش‌های بسیاری مورد استفاده بوده است. بر اساس نظر هیوینر، رضایت از زندگی خانوادگی عبارتست از میزان ارزیابی مثبت فرد از زندگی خانوادگی‌اش در کلیت آن (گیلمان، هیوینر و لاوولین ۲۰۰۰: ۱۵۱).

در این پژوهش، برای سنجش متغیر وابسته (رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی)، بخش خانوادگی مقیاس هیوینر و همکارانش شامل هفت گویه مورد استفاده قرار گرفته است. از پاسخگویان خواسته شد، میزان موافقت یا مخالفت خودشان را با گویه‌های مزبور بیان کنند. این گویه‌ها عبارتند از:

- ۱ - از بودن و زندگی با اعضای خانواده‌ام در زیر یک سقف لذت می‌برم. ۲ - اعضای خانواده‌ام با خوبی و خوشی با همدیگر زندگی می‌کنند. ۳ - دوست دارم اوقات بیکاری‌ام را با والدین‌ام سپری کنم. ۴ - ما در خانواده با همدیگر سرگرمی‌ها و تفریحات شادی بخشی را انجام می‌دهیم. ۵ - خانواده‌ام در مقایسه با سایر خانواده‌هایی که می‌شناسم، بهتر است. ۶ - ما در خانواده با همدیگر مودبانه و دوستانه صحبت می‌کنیم. ۷ - روی هم رفته والدینم با من در موضوعات و زمینه‌های مختلف با عدالت و انصاف رفتار می‌کنند.
- آلفای کرونباخ مقیاس رضایت از زندگی هیوینر در تحقیقات مختلف خارجی ۰/۷ تا ۰/۹

گزارش شده است. در پژوهشی که خود هیوبر انجام داده است مقدار آلفای کرومباخ گزارش شده برای بعد رضایت از زندگی خانوادگی ۰/۸۶ (گیلمان، هیوبر و لاوولین ۲۰۰۰: ۱۵۳) این مطالعه ۰/۸۳ بدست آمده است.

اعتبار و روایی: برای بررسی اعتبار سنجه‌ها از دو روش استفاده شد: ۱. اعتبار صوری، بدین منظور پرسشنامه طراحی شده با تعاریف نظری و عملیاتی هر متغیر در اختیار داورانی از دانشگاه‌های مختلف قرار گرفت و با لحاظ کردن نظرات داوران، پرسشنامه نهایی تحقیق طراحی شد. ۲. تحلیل عاملی، برای آزمون مقدماتی پرسشنامه، دو مدرسه از منطقه ۷ انتخاب شد و ۶۰ پرسشنامه در این مدارس تکمیل گردید. با توجه به نتایج تحلیل عاملی انجام شده بر روی داده‌های آزمون مقدماتی، گویه‌ها تصحیح و بهبود داده شد. نتایج تحلیل عاملی انجام شده، وجود چهار بعد همبختی، همگامی، همدلی و همفکری و چهار حوزه مسئله‌ای معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی، در گویه‌های طراحی شده را به تفکیک و تقریباً به طور کامل تأیید کرد. همچنین برای سایر شاخص‌ها، شامل متغیرهای واسطه‌ای و وابسته تحلیل عاملی از ضریب بالا و معنی‌دار گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد و شاخص‌ها حکایت داشت. (نگاه کنید به زردموی، ۱۳۸۷: بخش ضمائم و نتایج خلاصه شده تحلیل عاملی در جدول شماره ۱)

برای بررسی پایایی سنجه‌های بکار رفته از ضریب آلفای کرومباخ استفاده شد. ضرایب بدست آمده مربوط به دو آزمون مقدماتی و اصلی در جدول زیر آمده است (نگاه کنید به جدول شماره ۱)

جدول ۲: ضریب آلفای کرومباخ سنجه‌های تحقیق در آزمون مقدماتی و اصلی و نتایج خلاصه شده تحلیل عاملی

ردیف	نام سنجه	ضریب آلفای کرومباخ (پیش آزمون)	ضریب آلفای کرومباخ (آزمون اصلی)	ضریب کامبو (تحلیل عاملی)
۱	همبختی در حالت کلی	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۸۸
۱.۱	همبختی معیشتی	۰/۴۲	۰/۵۷	
۱.۲	همبختی تمشیتی	۰/۵۱	۰/۶۳	
۱.۳	همبختی معاشرتی	۰/۶۸	۰/۵۵	
۱.۴	همبختی تربیتی	۰/۵۵	۰/۷۳	

ردیف	نام سنجه	ضریب آلفای کرومباخ (پیش آزمون)	ضریب آلفای کرومباخ (آزمون اصلی)	ضریب کامتو (تحلیل عاملی)
۲	همگامی در حالت کلی	۰/۷۶	۰/۶۸	۰/۷۵
۲.۱	همگامی معیشتی	۰/۵۷	۰/۶۴	
۲.۲	همگامی تمشیتی	۰/۶۸	۰/۶۷	
۲.۳	همگامی معاشرتی	۰/۷۰	۰/۳۸	
۲.۴	همگامی تربیتی	۰/۶۳	۰/۳۰	
۳	همدلی در حالت کلی	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۸۲
۳.۱	همدلی معیشتی	۰/۳۶	۰/۲۸	
۳.۲	همدلی تمشیتی	۰/۵۳	۰/۵۸	
۳.۳	همدلی معاشرتی	۰/۶۷	۰/۷۶	
۳.۴	همدلی تربیتی	۰/۳۶	۰/۵۵	
۴	همفکری در حالت کلی	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۸۷
۴.۱	همفکری معیشتی	۰/۷۲	۰/۷۴	
۴.۲	همفکری تمشیتی	۰/۴۹	۰/۶۳	
۴.۳	همفکری معاشرتی	۰/۶۷	۰/۷۰	
۴.۴	همفکری تربیتی	۰/۵۴	۰/۶۷	
۵	نیاز فیز یولوژیک	۰/۷۶	۰/۷۴	۰/۷۶
۶	نیاز امنیت	۰/۴۸	۰/۷۶	۰/۷۹
۷	نیاز تعلق پذیری	۰/۸۰	۰/۷۶	۰/۶۹
۸	نیاز احترام	۰/۸۸	۰/۷۰	۰/۶۴
۹	نیاز شناختی	۰/۸۶	۰/۷۹	۰/۶۴
۱۰	احساس آزادی	۰/۶۷	۰/۷۸	۰/۷۴
۱۱	احساس عدالت	۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۷۷
۱۲	رضایت از زندگی خانوادگی اولسون	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۹۲
۱۳	رضایت از زندگی خانوادگی هیوبنر	۰/۳۶	۰/۸۳	۰/۸۷

نتایج و تحلیل داده‌ها

سن، جنس، پایه و رشته تحصیلی و بعد خانوار

با توجه به این که جمعیت نمونه تحقیق، منتخبی از دانش آموزان دبیرستانی هفت منطقه

تهران بوده است، محدوده سنی افراد مورد بررسی از حداقل ۱۴ سال تا حداکثر ۱۹ سال را شامل می‌شود. کمترین نسبت‌ها مربوط به نوجوانان ۱۴ و ۱۹ ساله به ترتیب ۱/۳٪ و ۰/۶٪ و بیشترین نسبت متعلق به نوجوانان ۱۶ ساله (۳۶/۸٪) است. پس از این گروه ۲۸/۸٪ و ۱۳/۵٪ دانش‌آموزان ۱۷ و ۱۸ ساله بودند. در مجموع ۴۴/۴٪ افراد نمونه پسر و ۵۵/۶٪ دختر بودند. ۳۳٪ دانش‌آموزان نمونه، در سال اول دبیرستان، ۳۲/۷٪ در سال دوم و ۳۴/۳٪ در سال سوم مشغول به تحصیل بودند. ۲۷/۸٪ از رشته تحصیلی افراد، ریاضی فیزیک، ۱۷/۲٪ علوم تجربی، ۲۳٪ علوم انسانی و ۳۲/۱٪ عمومی است.

از حیث بعد خانوار می‌توان گفت، ۳۹٪ پاسخگویان در خانواده‌های ۴ نفره، ۳۰/۲٪ در خانواده‌های ۵ نفره و ۱۱/۳٪ در خانواده‌های ۶ نفره و ۵/۴٪ (کمترین درصد) در خانواده‌های ۸ نفره و بیشتر زندگی می‌کردند.

نظم در خانواده

جدول شماره ۳، مقدار میانگین و انحراف معیار مربوط به نظم و ابعاد تشکیل دهنده آن را در چهار حوزه مختلف خانواده (شانزده مسئله ژنریک) نشان می‌دهد. به طور کلی میزان نظم در خانواده‌های مورد بررسی، اندکی بالاتر از حد متوسط است (میانگین ۳/۴۱ از ۵). از مقایسه میانگین‌های مذکور، درمی‌یابیم، بیشترین میزان تحقق ابعاد چهارگانه نظم در خانواده‌های مورد بررسی، مربوط به بعد همبختی (با میانگین ۴/۴۳ و انحراف معیار ۰/۷۰) است. همان گونه که مشاهده می‌شود بین میانگین‌های چهار بعد همبختی اختلاف ناچیزی وجود دارد. بیشترین میزان همبختی اعضای خانواده در زمینه امور تربیتی و آموزشی (۴/۴۲) و پس از آن به ترتیب، مربوط به تمشیت و مدیریت خانواده (۴/۳۵)، مسایل معیشتی (۴/۳) و حوزه معاشرت و ارتباطات (۴/۲۷) است.

میانگین بعد همگامی اعضای خانواده در کل ۳/۶ است که به ترتیب در مسائل تمشیت و مدیریت خانواده (۳/۷۳)، حوزه معاشرت و ارتباطات (۳/۶۵)، مسایل معیشتی (۳/۵۱) و حیطه امور تربیتی و آموزشی (۳/۵۰) است. بیشترین میزان هم‌دلی، علاقه و تعلق مشترک اعضای خانواده همانند همبختی، در حوزه مسائل تربیتی (۴/۵۵) و کمترین این میزان در

مسائل معیشتی می باشد (۴/۰۰). میانگین کل بعد همدلی ۴/۲۱ و میانگین کل بعد همفکری ۳/۹۶ است که کمترین میزان میانگین در این بعد، متعلق به متغیر همفکری تمشیتی (۳/۸۴) و بیشترین آن مربوط به متغیر همفکری معیشتی (۴/۰۹) است.

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار شاخص نظم و ابعاد آن در خانواده

میانگین	همبختی				همگامی				همدلی				همفکری			
	معیشتی	تمشیتی	معاشرتی	تربیتی	معیشتی	تمشیتی	معاشرتی	تربیتی	معیشتی	تمشیتی	معاشرتی	تربیتی	معیشتی	تمشیتی	معاشرتی	تربیتی
۴/۳	۴/۳۵	۴/۲۷	۴/۴۲	۳/۵۱	۳/۸۳	۳/۶۵	۳/۵	۴/۰	۴/۱۱	۴/۰۹	۴/۵۵	۴/۰۹	۳/۸۴	۴/۰۱	۳/۹۳	
۰/۸۲	۰/۸	۰/۸	۰/۸۷	۱/۱۲	۱/۱۰	۰/۹۶	۱/۰	۰/۸۸	۰/۹۴	۱/۰۷	۱/۸۴	۱/۰۷	۱/۰۴	۱/۰۶	۱/۰۹	
میانگین	۴/۴۳				۳/۶				۴/۲۱				۳/۹۶			
انحراف معیار	۰/۷۰۴				۰/۷۳۷				۰/۷۳۵				۰/۸۴			
میانگین نظم	۳/۴۱															

میزان ارضای نیازهای نوجوانان در خانواده

داده‌های جدول شماره ۴ که میزان ارضای نیازهای نوجوانان در خانواده‌ها را نشان می‌دهد، حاکی از آن است که میانگین احساس آزادی عمل پاسخگویان برای اتخاذ برخی تصمیم‌ها یا انجام پاره‌ای از فعالیت‌ها در مقایسه با ارضای نیازهای دیگر در پایین‌ترین حد یعنی ۳/۲۹ قرار دارد. این احساس کمبود آزادی عمل برای مواردی که از نظر خانواده حساس‌تر و پرهزینه‌تر است، بیشتر می‌شود. بیشترین میزان احساس آزادی عمل مربوط به حوزه مسائل آموزشی و تحصیلی (میانگین = ۴/۳۱) است و پس از آن به ترتیب برای رفتن به باشگاه ورزشی (میانگین = ۳/۶۸)، تعویض لوازم شخصی چون کتاب (میانگین = ۳/۱۷)، انتخاب دوست (میانگین = ۳/۱۱)، تعویض لوازم شخصی مهم‌تر چون کامپیوتر، گوشی موبایل و ... (میانگین = ۲/۹) و نهایتاً رفتن به مسافرت با دوستان (میانگین = ۲/۲۶) به میزان‌های کمتری در نمونه مورد بررسی، احساس آزادی عمل گزارش شده است.

در مقابل نیاز تعلق‌پذیری و عشق به نسبت قابل توجهی ارضا شده است. به طوری که ۷۷/۳٪ پاسخگویان میزان ارضای نیازهای تعلق‌پذیری و عشق را در خانواده‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌دانند و تنها ۴/۷٪ افراد نمونه میزان ارضای این نیاز را در خانواده‌شان در حد کم و خیلی کم گزارش کرده‌اند.

همچنین ۸۲/۳٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خانواده آنها توانسته است، پوشاک و البسه دلخواهشان را در حد زیاد و خیلی‌زیادی تأمین نماید. در زمینه داشتن اتاق اختصاصی، ۴۷/۵٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که این نیاز آنان در حد زیاد و خیلی‌زیاد مرتفع شده است. به عبارت دیگر بیش از ۵۰٪ خانواده‌ها قادر به تأمین اتاق اختصاصی برای فرزندان‌شان در حد بالا نبودند. میانگین شاخص ارضای نیازهای فیزیولوژیک ۴/۰۴ می‌باشد که نشان دهنده این امر است که در کل این نیاز هم تا حد زیادی در افراد مورد بررسی مرتفع شده است.

با بررسی پاسخ‌هایی که به گویه‌های احساس امنیت داده شده، می‌توان گفت ۷۴/۳٪ افراد پاسخگو در حد زیاد و خیلی زیاد، در خانواده خود احساس امنیت (با میانگین ۴/۰۳ از ۵) می‌نمایند. ۵۶/۸٪ از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که امنیت مالی آنها در خانواده‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد است. نزدیک به ۸۰٪ افراد نمونه میزان امنیت جانی و ۵۱/۸٪ میزان امنیت فکری‌شان را در درون خانواده زیاد و خیلی‌زیاد گزارش داده‌اند. کمترین میزان احساس امنیت، مربوط به بعد امنیت فکری است. همچنین با وجود بالا بودن نسبت دارندگان احساس امنیت بالا (بیش از ۷۰٪)، نسبت قابل تأملی از نوجوانان (۱۱/۷٪) احساس امنیت در حد کم و خیلی کم دارند. این وضعیت می‌تواند آنها را به سوی آسیب‌های روانی و اجتماعی گوناگونی سوق دهد.

۶۹/۶٪ پاسخگویان میزان ارضای نیاز به احترام را در خانواده‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند و تنها ۹/۹٪ میزان ارضای این نیاز را در خانواده‌شان در حد کم و خیلی کم گزارش کردند. به اعتقاد ما زلو در دوره نوجوانی نیاز تعلق‌پذیری و عشق و نیاز به احترام دو نیاز غالب هستند. پس انتظار می‌رود، ارضای هر چه بیشتر این نیازها به رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی منجر شود. به عبارت دیگر در خانواده‌هایی که این نیازها بخوبی ارضای می‌شوند، رضایت فرزندان از زندگی خانوادگی بیشتر خواهد بود.

۶۲/۶٪ افراد نمونه اظهار داشته‌اند که نیازهای شناختی آنان در خانواده‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد مرتفع می‌شود. در مقابل ۱۳/۲٪ معتقد بودند که نیازهای شناختی شان در حد کم و خیلی کم ارضاء شده است. نکته قابل توجه این که به گفته پاسخگویان، مادران در تأمین نیازهای شناختی فرزندان شان در مقایسه با پدران نقش بیشتری داشته‌اند. با مقایسه میانگین گویه‌های شاخص احساس عدالت، مشخص شد که پاسخگویان در گویه‌های مربوط به خرید لباس و لوازم شخصی (میانگین = ۴/۱۵) و محبتی که والدین ابراز می‌کنند (میانگین = ۴/۰۸)، بیش از نحوه برخورد والدین (میانگین = ۳/۹۵) و پول تو جیبی (میانگین = ۳/۹) احساس عدالت دارند. میانگین شاخص احساس عدالت هم مانند سایر شاخص‌های ارضای نیاز در حد بالایی است (میانگین = ۴/۱۶).

جدول ۴ - فراوانی نسبی میزان ارضای نیازها در خانواده

طبقات	نیازها					
	نیازهای فیزیولوژیک	احساس امنیت	نیازهای تعلق پذیری	نیاز به احترام	نیاز شناختی	احساس آزادی
خیلی کم	۱/۵	۳/۷	۲/۵	۳/۲	۴/۲	۳/۲
کم	۸/۲	۸/۰	۲/۲	۶/۷	۹/۰	۶/۰
متوسط	۱۷/۲	۱۴/۰	۱۸/۰	۲۰/۴	۲۴/۲	۳۰/۴
زیاد	۳۰/۲	۲۹/۴	۲۴/۲	۲۷/۲	۳۲/۲	۳۲/۷
خیلی زیاد	۴۲/۹	۴۴/۹	۵۳/۱	۴۲/۴	۳۰/۴	۱۳/۲
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
میانگین	۴/۰۴	۴/۰۳	۴/۲۳	۳/۹۸	۳/۷۵	۳/۲۹
انحراف معیار	۱/۰۳۲	۱/۱۱	۰/۹۸۶	۱/۰۹۱	۱/۱۰۹	۱/۰۹

رضایت از زندگی خانوادگی

در میان هفت گویه شاخص رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی کمترین میانگین مربوط به گویه‌های «دوست دارم اوقات بیکاری‌ام را با والدین‌ام سپری کنم» (۳/۴۴) و «ما در خانواده با همدیگر تفریحات شادی‌بخشی را انجام می‌دهیم» (۳/۵۷) و بیشترین میانگین (۴/۵۸) متعلق به گویه «از زندگی با اعضای خانواده‌ام در زیر یک سقف لذت می‌برم»، است. بر اساس شاخص رضایت از زندگی خانوادگی ۳/۹٪ از پاسخگویان میزان رضایت از زندگی خانوادگی شان را کم و خیلی کم، ۱۲/۷٪ در حد متوسط، ۳۹/۹٪ زیاد و ۴۳/۴٪ خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. در مجموع رضایت افراد از زندگی خانوادگی شان در حد بالایی

(میانگین ۴/۲۲) است. شایان ذکر است، میانگین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی بر حسب مقیاس دیگری که در قسمت تعریف مفاهیم به آن اشاره شد، (مقیاس اولسون با ده گویه) در این تحقیق ۳/۹۲ بدست آمد که با میانگین حاصل شده از مقیاس هیوبنر بسیار نزدیک است. (زردموی، ۱۳۷۸: ۱۳۴ - ۱۳۳)

جدول ۵ - فراوانی نسبی گویه‌ها و شاخص میزان رضایت از زندگی خانوادگی

انحراف معیار	میانگین	خیلی موافق	موافق	بی‌تفاوت	مخالف	خیلی مخالف	گویه
۰.۷۲	۴.۵۸	۶۹.۱	۲۲.۷	۶.۲	۱.۵	۰.۵	از زندگی با اعضای خانواده‌ام در زیر یک سقف لذت می‌برم.
۰.۸۳	۴.۲۹	۴۸.۴	۳۷.۴	۱۱.۲	۱.۷	۱.۲	اعضای خانواده‌ام با خوبی و خوشی با همدیگر زندگی می‌کنند
۱.۱	۳.۴۴	۲۰.۷	۲۶.۲	۳۵.۴	۱۲.۵	۵.۲	دوست دارم اوقات بیکاری‌ام را با والدین‌ام سپری کنم
۱.۰۵	۳.۵۷	۲۰.۳	۳۴.۶	۳۲.۱	۸.۳	۴.۸	ما در خانواده با همدیگر تفریحات شادی بخشی را انجام می‌دهیم
۰.۸۸۲	۴.۲۶	۴۹.۹	۳۰.۶	۱۵.۸	۳.۰	۰.۸	خانواده‌ام در مقایسه با سایر خانواده‌هایی که می‌شناسم، بهتر است
.۹۲	۴.۰۲	۳۵.۲	۳۹.۴	۲۰.۱	۳.۵	۱.۸	ما در خانواده با همدیگر مودبانه و دوستانه صحبت می‌کنیم
۱.۰۰۸	۳.۹۱	۳۵.۶	۳۵.۱	۱۹.۰	۵.۸	۴.۵	والدینم با من در زمینه‌های مختلف با انصاف رفتار می‌کنند
۰.۸۲۷	۴.۲۲	۴۳.۴	۳۹.۹	۱۲.۷	۳.۷	.۲۰	شاخص رضایت از زندگی خانوادگی

بررسی رابطه دو بعدی و چندگانه رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی با متغیرهای مستقل و واسطه‌ای

الف - متغیرهای زمینه‌ای و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی

رابطه چهار متغیر سن، جنس، منطقه محل تحصیل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده^۱ با

^۱ - متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده به صورت فاصله‌ای و بر اساس نمره استاندارد شده منزلت شغلی پدر مطابق مقیاس کاظمی‌پور برای سنجش منزلت شغلی (رجب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۶) و بر اساس تعداد سال‌های تحصیلی والدین محاسبه شد. علت بسنده کردن به منزلت شغلی و میزان تحصیلات پدر، فقدان واریانس لازم در این دو متغیر برای مادران و علت حذف متغیر درآمد، عدم پاسخ یا بی‌اطلاعی ۴۰٪ از دانش‌آموزان نسبت به درآمد پدرشان بوده است.

رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی در قالب آزمون T-test برای جنس و جداول تقاطعی و آنالیز واریانس یک طرفه برای سه متغیر دیگر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. از میان این چهار متغیر زمینه‌ای فقط متغیر سن تا حدی (با اطمینان ۰/۹۵ و احتمال خطای ۰/۰۵) با رضایت نوجوانان به صورت معکوس رابطه داشت ($F = ۲/۵۳۶$ و $Sig = ۰/۰۵$). به طوری که میانگین میزان رضایت در نوجوانان دارای سن ۱۷ (میانگین = ۴/۱۴) و ۱۸ ساله (میانگین = ۴/۰) کمتر از ۱۴ تا ۱۵ ساله‌ها (میانگین = ۴/۳۵) بود. به این ترتیب رضایت از زندگی خانوادگی در میان نوجوانان دختر و پسر و دارای پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف تفاوت معناداری به لحاظ آماری نداشته است و قاعدتاً باید عوامل تعیین‌کننده رضایت نوجوانان را در موارد دیگری جستجو کرد که بزودی با برخی از آنها آشنا می‌شویم.

ب - نظم و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی

۱ - شاخص کلی نظم و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی
مطابق نتایج بدست آمده (جدول ۶)، بین دو متغیر نظم در خانواده (در شکل کلی و جامع آن) و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی، همبستگی قابل ملاحظه‌ای معادل ۰/۶۷ با اطمینان بالاتر از ۹۹٪ وجود دارد. به این ترتیب، نخستین فرضیه پژوهش مبنی بر این که هر قدر نظم در شکل جامع آن در خانواده بیشتر تحقق یابد، رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان بیشتر خواهد بود، با قوت مورد تأیید قرار می‌گیرد. این نتیجه، در خصوص همبستگی بین ابعاد نظم در خانواده و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان نیز صادق است.

۱ - ۱ - ابعاد یا مؤلفه‌های چهارگانه نظم و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی
جدول ۶ نتایج همبستگی دو به دو و روابط همزمان ابعاد چهارگانه نظم با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان را نشان می‌دهد. با نگاهی به داده‌های این جدول، می‌توان گفت:
- بین متغیرهای همبختی (۰/۴۴)، همگامی (۰/۴۵)، همدلی (۰/۶۲) و همفکری (۰/۶۱) با میزان رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. (تأیید فرضیه ۱ - ۱). با این تفاوت که دو بعد همدلی و همفکری در خانواده برای تأمین رضایت نوجوانان در مقایسه با ابعاد دیگر (همگامی و همبختی) اهمیت و تأثیر

بیشتری دارند.

- از چهار متغیر فوق‌الذکر که وارد معادله رگرسیون شده بودند، متغیر همبختی از رگرسیون حذف شده است. بر اساس ضرایب بتا می‌توان گفت، به ترتیب اهمیت در تعیین تغییرات متغیر وابسته، میزان تأثیر همدلی ۰/۳۵، میزان تأثیر همفکری ۰/۳۳ و میزان تأثیر همگامی ۰/۱۳ می‌باشد.

ضریب همبستگی چندگانه در این مدل ۰/۶۹ و ضریب تعیین (میزان تغییرات تبیین شده متغیر وابسته) ۰/۴۸ است که نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مستقل، حدود ۵۰٪ از واریانس رضایت از زندگی خانوادگی افراد را توضیح می‌دهند. ضمناً یک بار دیگر اهمیت بیشتر دو بعد همدلی و همفکری در خانواده برای تأمین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی به وضوح آشکار می‌گردد (غلبه بعد اظهاری، تأیید فرضیه ۳ و پاسخ به پرسش سوم تحقیق). به نظر می‌رسد، برای نوجوانان مورد مطالعه وجود همدلی مشترک (داشتن احساس عاطفی و تعلق قوی‌تر به یکدیگر) و نیز همفکری مشترک (ارزش‌ها و ارزشیابی‌های هماهنگ و همسویی‌های فکری) بیشتر از همبختی و نوعی نظام تقسیم‌کار هماهنگ مبتنی بر آن و همگامی اهمیت دارد و تعیین‌کننده است.

۱-۲ - مسائل خانواده و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان

بخش دیگری از جدول شماره ۶ به نتایج همبستگی دو به دو و روابط همزمان مسائل خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان اختصاص یافته است. این داده‌ها حاکی از آن است که:

- هر چه مسائل خانواده بیشتر حل شده باشند، رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی هم بیشتر خواهد بود. (تأیید فرضیه ۱ - ۲). ضرایب همبستگی متغیرهای مسائل معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی با رضایت از زندگی خانوادگی، به ترتیب عبارتند از ۰/۵۱، ۰/۵۶، ۰/۵۷ و ۰/۶۱. در این جا نیز بر اساس شدت همبستگی‌های بدست آمده، اولویت بیشتر حل مسائل حوزه‌های تربیتی، معاشرتی و تمشیتی نسبت به حل مسائل معیشتی که با نیازهای نوجوانان ارتباط وثیق‌تری دارند، آشکار می‌شود.

- مسائل چهارگانه خانواده (معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی) در مجموع توانسته‌اند ۴۵٪ واریانس متغیر وابسته یعنی رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی را تبیین نمایند.

به علاوه، مسایل تربیتی بالاترین تأثیر (۰/۳۰) را در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی دارند (غلبه بعد اظهاری و تأیید فرضیه ۳ - پاسخ به پرسش چهارم تحقیق). این یافته بدین معنی است که هرچه در خانواده‌ها مسائل تربیتی بیشتر حل شوند و اختلاف و درگیری کمتری بین اعضا بر سر این موارد باشد و به عبارتی اعضای خانواده همفکری و همدلی بیشتری در این مسائل داشته باشند رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی بیشتر خواهد بود. حل مسائل معاشرتی و مسائل تمشیتی در تأمین رضایت نوجوانان، اهمیتی نسبتاً برابر داشته‌اند (۰/۱۷۵ و ۰/۱۷۴). کمترین میزان تأثیرگذاری در متغیر وابسته مربوط به حوزه معیشتی (۰/۱۴) است. شاید بتوان گفت این سنخ از مسائل خانوادگی به اندازه‌ای که برای بزرگسالان اهمیت دارد، برای نوجوانان تعیین کننده نیست.

جدول ۶ - ضرایب همبستگی دو متغیره و چندگانه شاخص نظم، ابعاد آن و مسائل خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان

مسائل خانواده				ابعاد نظم در خانواده				شاخص کلی نظم در خانواده			
تربیتی	معاشرتی	تمشیتی	معیشتی	همبختی	همگامی	همدلی	همفکری				
۰.۶۱۱	۰.۵۷۰	۰.۵۶۵	۰.۵۱۰	۰/۴۴۹	۰/۴۵۵	۰/۶۲۷	۰/۶۱۱	۰.۶۷۰	ضریب پیروسون	همبستگی دوطرفه دو	زندگی خانوادگی
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	سطح معناداری		
۰.۳۰۳	۰.۱۷۵	۰.۱۷۴	۰.۱۴۰		۰.۱۳۱	۰.۳۵۵	۰.۳۳۷	beta		نتایج رگرسیون	
۰.۰۰۰	۰.۰۰۲	۰.۰۰۲	۰.۰۰۵		۰.۰۰۲	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	sig			
ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۶۷۴				ضریب همبستگی چندگانه = ۰.۶۹۹				آماره‌ها			
ضریب تعیین = ۰/۴۵۴				ضریب تعیین = ۰.۴۸۸							
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۴۴۹				ضریب تعیین تعدیل شده = ۰.۴۸۴							
				F = ۱۲۶.۲۹۰ و سطح معناداری = ۰.۰۰۰							

۱- ۳- شانزده مسئله ژنریک در خانواده و رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان
 هر چند تحقق نظم در شکل جامع آن مستلزم میزان بالا یا قابل قبولی از حل همه مسائل
 ژنریک خانواده است و قاعدتاً در چنین شرایطی است که زمینه ارضای بهتر نیازها و تأمین
 احساس مثبت تری از آزادی، امنیت و عدالت برای نوجوانان فراهم خواهد شد و بیشترین
 میزان از رضایت خانوادگی - دست کم در محدوده تأثیر پدیده نظم در این متغیر - برای
 پاسخگویان حاصل خواهد شد، مطابق نتایج جدول ۷، مشخص می شود که رضایت
 نوجوانان از زندگی خانوادگی شان حتی با میزان حل هر یک از مسائل شانزده گانه ژنریک
 در خانواده نیز به تنهایی رابطه معنی دار و مثبت دارد.

بر حسب روابط همبستگی دو به دو، هیچ یک از مسائل ژنریک شانزده گانه فاقد ارتباط
 معنادار یا دارای جهت منفی با متغیر وابسته نیستند. بیشترین همبستگی ها با رضایت نوجوانان
 مربوط به مسائل زیر است: همگامی تربیتی (۰/۵۶۳)، همدلی معاشرتی و تمشیتی (۰/۵۳۴)،
 همفکری تربیتی (۰/۵۲۸)، همفکری معاشرتی (۰/۴۷۸)، همفکری تمشیتی (۰/۴۶۳) و
 همفکری معیشتی (۰/۴۵۲). به علاوه بیشتر این مسائل در معادله رگرسیونی - البته با تعدیل
 میزان تأثیر آنها - هم چنان مهم ترین عوامل مرتبط با رضایت نوجوانان می باشند، یعنی
 متغیرهایی که دارای بعد اظهاری بیشتری هستند.

همانطور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می شود، از بین شانزده مسئله ژنریک،
 متغیرهایی که بیشترین تأثیر را بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی دارند، عبارتند از
 همگامی تربیتی (۰/۲۲۹)، همدلی تمشیتی (۰/۱۷۹)، همفکری تربیتی (۰/۱۵۹)، همدلی
 معاشرتی (۰/۱۴۹)، همدلی معیشتی (۰/۱۳۶)، همفکری معاشرتی (۰/۰۹۹) و همفکری
 معیشتی (۰/۰۹۵). این هفت مسئله ژنریک در مجموع توانسته اند ۵۳٪ واریانس متغیر وابسته
 را تبیین کنند. به طوری که دیده می شود، نخستین عامل مؤثر، همگامی در تربیت و سپس
 همدلی در اداره خانواده و در مرحله سوم، همفکری در تربیت بیشترین تأثیر را در تأمین
 رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی داشته است. در این نتایج همدلی و همفکری در سه
 حوزه و همگامی در یک حوزه بیشترین تأثیر را داشته اند. در کل اهمیت همدلی و
 همفکری و حوزه های تربیتی و معاشرتی بالاتر به نظر می رسد. (غلبه بعد اظهاری و تأیید
 فرضیه ۳ - پاسخ به پرسش پنجم تحقیق).

جدول ۲ - ضرایب همبستگی دو متغیره و چندگانه شانزده مسئله ژنریک در خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان

همبستگی تربیتی	همبستگی معاشرتی	همبستگی تمشی	همبستگی معیشتی	همگامی تربیتی	همگامی معاشرتی	همگامی تمشی	همگامی معیشتی	همدلی تربیتی	همدلی معاشرتی	همدلی تمشی	همدلی معیشتی	همفکری تربیتی	همفکری معاشرتی	همفکری تمشی	همفکری معیشتی
۰/۳۹۳	۰/۱۹۵	۰/۴۲۷	۰/۳۷۷	۰/۵۶۳	۰/۲۴۸	۰/۲۶۳	۰/۱۸۷	۰/۲۸۷	۰/۵۳۴	۰/۵۳۴	۰/۴۱۶	۰/۵۲۸	۰/۴۷۸	۰/۴۶۳	۰/۴۵۲
۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰
					.۲۲۹۰				.۱۴۹۰	.۱۷۹۰	.۱۳۶۰	۵۹.۱۰	.۰۹۹۰		.۰۹۵۰
					۰.۰۰۰۰				۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۲۳۰	۲۳.۰۰	
F = 57/261								ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۷۳۱							
سطح معناداری = ۰/۰۰۰								ضریب تعیین = ۰/۵۳۵							
								ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۵۲۷							
ضرایب پیوسون															
سطح معناداری															
نتیج رگرسیون															
رضایت از زندگی خانوادگی															

ج - میزان ارضای نیازهای نوجوانان و رضایت آنها از زندگی خانوادگی شان

با نگاهی به نتایج مندرج در جدول ۸ درمی یابیم:

- نیاز تعلق پذیری و عشق (۰/۶۵)، نیاز به احترام (۰/۶۱)، نیاز شناختی (۰/۵۶)، احساس عدالت (۰/۵۴)، احساس امنیت (۰/۳۶)، نیازهای فیزیولوژیک (۰/۳۵) و احساس آزادی (۰/۲۲) به ترتیب از بیشترین تا کمترین همبستگی را با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی دارند. (تأیید فرضیه ۲)

در خصوص پایین تر بودن شدت همبستگی احساس آزادی با رضایت از زندگی خانوادگی در مقایسه با سایر روابط بدست آمده شاید بتوان گفت در خانواده های مورد

بررسی، میزان دو متغیر «احساس تعلق و همدلی اعضای خانواده» و «صمیمیت در خانواده‌ها» بسیار بالا بوده است. به نظر می‌رسد در چنین خانواده‌هایی، هر دو معنای مثبت و منفی آزادی تا حدی اهمیت خود را از دست می‌دهد. اگر در محیط اجتماع، احساس آزادی شرط مهمی برای رضایت از زندگی است، در محیط گرم و صمیمی خانواده دخالت‌های دیگران در زندگی فرد لزوماً معنای سلب آزادی ندارد و در نتیجه انتظار می‌رود هر چه روابط خانوادگی توأم با عشق و محبت، همدلی و صمیمیت و احترام بیشتری باشد، حتی با وجود سلب اختیار افراد در مواردی یا مستقل نبودنشان در تصمیم‌گیری یعنی آن چه در این جا به عنوان آزادی کمتر تعبیر شده است، احساس رضایت اعضای خانواده از زندگی خانوادگی‌شان کاهش نیابد و تنها هنگامی که فضای عاطفی و توأم با احترام خانواده رو به افول می‌گذارد، مداخله‌ها و محدودیت‌های ایجاد شده برای نوجوانان به کاهش رضایتشان از زندگی خانوادگی منجر می‌شود.

علاوه بر این‌ها، نتایج بدست آمده حاکی از اهمیت ارضای نیازهای سطح بالاتر نوجوانان یعنی نیازهای مورد عشق و محبت قرار گرفتن، مورد احترام و تصدیق واقع شدن و نیازهای شناختی برای تأمین رضایت آنها از زندگی خانوادگی در مقایسه با نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی است که علی‌القاعده دو نیاز اخیر در حد نسبتاً مطلوبی باید در چارچوب خانواده‌های متعارف و کم و بیش متوسط ارضا شده باشند.

- در مدل رگرسیونی میزان ارضای نیازهای نوجوانان و رضایت آنها از زندگی خانوادگی‌شان، از ۷ متغیر واسطه‌ای، سه متغیر نیازهای فیزیولوژیک، احساس امنیت و احساس عدالت حذف شدند. در مجموع متغیرهایی که در معادله باقی مانده‌اند، تقریباً ۵۰٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. از میان متغیرهای مزبور، تعلق‌پذیری و عشق با ضریب بتای ۰/۳۸، نیاز به احترام با ضریب بتای ۰/۲۹ و سپس با فاصله بیشتری نیازهای شناختی با ضریب بتای ۰/۱۷ بیشترین تأثیر را در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی دارند.

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، این نتایج نشان دهنده اهمیت تأمین نیازهای سطح بالای هرم مازلو برای نوجوانان در مقایسه با نیازهای مراتب پایین‌تر (فیزیولوژیک و امنیت) هستند که قاعدتاً در اغلب خانواده‌های متعارف باید در حد متوسطی یا قابل قبولی ارضا شده باشند. (غلبه بعد اظهاری و تأیید فرضیه ۳).

علاوه بر این، یافته‌های جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که اگر نوجوانان در خانواده در حد بالایی مورد عشق و محبت و احترام قرار گیرند و نیز نیازهای شناختی‌شان (پرسش‌های آنها) پاسخ یافته و مرتفع گردند، دیگر از احساس ناایمنی و بی‌عدالتی به طور فاحش و آزاردهنده‌ای رنج نخواهند برد و رضایتشان در حد مطلوب تأمین خواهد شد. حتی رابطه منفی احساس آزادی با رضایت نشان می‌دهد، چه بسا در شرایط تأمین نیازهای سطح بالاتر با وجود استقلال کمتر نوجوانان رضایتشان تأمین خواهد بود. هر چند ممکن است این یافته را به معنای راضی‌تر بودن کسانی فرض کنیم که خود، خواهان استقلال و آزادی بیشتر نیستند (شاید به دلیل هماهنگی بیشتر با والدین یا تأمین نیازهای مهم‌تر آنها یعنی وجود همدلی و همفکری یا تفاهم در حد مطلوب).

جدول ۸ - ضرایب همبستگی دو متغیره و چندگانه میزان ارضای نیازهای نوجوانان با رضایت آنها از زندگی خانوادگی شان

احساس عدالت	احساس آزادی	نیاز شناختی	نیاز به احترام	نیاز تعلق پذیری	نیاز امنیت	نیاز فیژوبولوژیک	رضایت از زندگی خانوادگی	
۰/۵۴۳	۰/۲۲۳	۰/۵۶۴	۰/۶۱۳	۰/۶۵۲	۰/۳۶۷	۰/۳۵۲	ضریب پیوسون	همبستگی دو به دو
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
	-۰/۰۰۷۱	۰/۰۱۷۲	۰/۰۲۹۰	۰/۰۳۸۱			beta	نتیج رگرسیون
	۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰			Sig	
F = 101/863				ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۷۱۲			آماره‌ها	رگرسیون
سطح معناداری = ۰/۰۰۰				ضریب تعیین = ۰/۵۰۷				
				ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۵۰۲				

د - تأثیر همزمان متغیرهای مستقل و واسطه‌ای بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی در نهایت به منظور شناخت بهتر و مقایسه تأثیر متغیرهای مستقل و واسطه‌ای بر متغیر وابسته تحقیق، در این قسمت، مدل رگرسیونی ارائه می‌شود که در آن همزمان چهار بعد نظم و هفت متغیر واسطه‌ای وارد معادله شده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود، در مدل مذکور،

سه متغیر نیازهای فیزیولوژیک، احساس امنیت و نیازهای شناختی حذف شدند. هفت متغیر باقی مانده، در مجموع نزدیک به ۶۰٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند. در این جا نیز حضور چهار متغیر تعیین کننده رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی در رأس سایر متغیرها، بر اساس وزن آنها در معادله رگرسیونی مشاهده می شود، دو متغیر همدلی و همفکری از ابعاد نظم و دو متغیر ارضای نیاز تعلق پذیری و عشق و احترام از متغیرهای واسطه ای. با توجه به این نکته که ابتدا تأمین نیاز تعلق پذیری و عشق و سپس وجود همدلی در خانواده و پس از آنها همفکری و احترام بیشترین تأثیرگذاری را داشته اند. (غلبه بعد اظهاری و تأیید فرضیه ۳) در عین حال، در این مدل رگرسیونی رضایت نوجوانان با بعد همگامی و متغیر احساس عدالت رابطه مثبت و با متغیر احساس آزادی رابطه منفی نشان داده است. به این معنا که نوجوانانی از زندگی خانوادگی شان راضی ترند که علاوه بر تحقق همدلی و همفکری در خانواده و داشتن میزان مطلوبی از عشق و محبت و احترام، شاهد همگامی بیشتر و دارای احساس عدالت افزون تری نسبت به نحوه توزیع ارزش ها و امکانات در خانواده باشند. یعنی در مقام مقایسه با دیگران علاوه بر دریافت پاسخ مناسب به نیازهایشان، احساس محرومیت یا بی عدالتی کمتری داشته باشند. در خصوص ضریب منفی احساس آزادی نیز می توان به توضیحات انتهایی جدول قبل مراجعه کرد.^۱

جدول ۹- ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل و واسطه ای با رضایت از زندگی خانوادگی

آماره	متغیرهای وارد در مدل و ضرایب بنا		
	Sig	beta	
۰. ۷۷۰	۰. ۰۰۰	۰. ۲۳۵	نیاز تعلق پذیری و عشق
۰. ۵۹۳	۰. ۰۰۰	۰. ۱۹۵	نیاز به احترام
۰. ۵۸۵	۰. ۰۶۷	-۰. ۰۶۸	احساس آزادی
۷۱. ۳۵	۰. ۰۳۲	۰. ۱۰۳	احساس عدالت
۰. ۰۰۰ (ح)	۰. ۰۰۰	۰. ۲۱۵	همفکری
	۰. ۰۰۰	۰. ۲۳۳	همدلی
	۰. ۰۰۵	۰. ۱۱۴	همگامی
	۰. ۰۱۵	-۰. ۱۱۱	همبختی

^۱ - شایان ذکر است، مدل های رگرسیونی دیگری که در آنها علاوه بر متغیرهای واسطه ای و متغیر وابسته به جای ابعاد چهارگانه نظم، شاخص نظم کلی، شاخص های چهارگانه حوزه های مسئله ای خانواده و شانزده مسئله ژنریک جایگزین شده بود، محاسبه و مورد بررسی قرار گرفت که همگی نتایج مشابهی را با آن چه تاکنون گفته آمد، نشان می داد. از این رو با توجه به مشابهت نتایج و برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.

تحلیل مسیر

مدل تحلیل مسیر، تأثیر متغیرهای همفکری، همدلی، همگامی و همبختی را بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نشان می‌دهد. در این مدل، متغیر واسطه‌ای ارضای نیاز از ترکیب نمرات نیازهای فیزیولوژیک، تعلق‌پذیری و عشق، نیاز به احترام و نیازهای شناختی فراهم آمده است و به خاطر این که نقش سه متغیر کم و بیش مطرح در تحقق رضایت از زندگی یعنی احساس امنیت، احساس آزادی و احساس عدالت در این مدل به عنوان متغیرهای واسطه‌ای در کنار شاخص ارضای نیاز ارزیابی شود، میزان ارضای نیاز به امنیت یا ایمنی در شاخص ارضای نیازها به حساب نیامده است.

جدول ۱۰ - ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل و واسطه‌ای با رضایت از زندگی خانوادگی

آماره	متغیرهای وارد در مدل و ضرایب بتا		
	Sig	beta	
۰.۷۷۰	۰.۰۰۰	۰.۲۳۵	نیاز تعلق‌پذیری و عشق
۰.۵۹۳	۰.۰۰۰	۰.۱۹۵	نیاز به احترام
۰.۵۸۵	۰.۰۶۷	-۰.۰۶۸	احساس آزادی
۷۱.۳۵	۰.۰۳۲	۰.۱۰۳	احساس عدالت
۰.۰۰۰ (d)	۰.۰۰۰	۰.۲۱۵	همفکری
	۰.۰۰۰	۰.۲۳۳	همدلی
	۰.۰۰۵	۰.۱۱۴	همگامی
	۰.۰۱۵	-۰.۱۱۱	همبختی

همانطور که دیده می‌شود، ۱ - میان ابعاد چهارگانه نظم و متغیرهای واسطه‌ای در اکثر موارد رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. قوی‌ترین و مؤثرترین رابطه‌ها با متغیرهای واسطه‌ای مربوط به دو بعد همدلی و همفکری است. رابطه همدلی با ارضای نیازها ۰/۲۳ و با احساس عدالت و احساس امنیت به ترتیب ۰/۲۰ و ۰/۳۴ است. همچنین رابطه بعد همفکری با ارضای نیازها، ۰/۳۷، احساس عدالت، ۰/۲۸، احساس امنیت، ۰/۱۵ و احساس آزادی، ۰/۲۶ است. رابطه دو بعد دیگر با متغیرهای واسطه‌ای از این قرار است: بعد همبختی با ارضای نیاز ۰/۱۴ و بعد همگامی با احساس امنیت ۰/۲۰- و احساس آزادی ۰/۱۱. این داده‌ها با توجه به تأثیر متغیرهای واسطه‌ای بر متغیر وابسته و نیز تأثیر مستقیم و

غیرمستقیم ابعاد نظم بر متغیر وابسته، فرضیه چهارم تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهند.
 ۲- اثر مستقیم همفکری، همدلی، همگامی و همبختی بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی به ترتیب ۰/۲۱، ۰/۲۶، ۰/۱۴ و ۰/۱۰- است (با فرض کنترل دیگر متغیرها. زیرا رابطه کنترل نشده این چهار متغیر با رضایت نوجوانان بسیار بیشتر از مقادیر اخیر است - نگاه کنید به داده‌های جدول شماره ۶).

۳- در میان چهار متغیر واسطه‌ای بیشترین تأثیر بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی معادل ۰/۲۶ مربوط به شاخص ارضای نیازها است. پس از آن احساس عدالت معادل ۰/۱۳ قرار می‌گیرد. اما دو شاخص احساس امنیت و احساس آزادی شاید به علت تأمین بیشتر برای اکثر نوجوانان در مقایسه با احساس عدالت و سایر نیازها تأثیر اندکی بر رضایت نوجوانان بر جای گذاشته است (به ترتیب ۰/۰۶ و ۰/۰۷-).

۴- اثر غیرمستقیم همفکری بر متغیر وابسته، بواسطه احساس آزادی ۰/۰۲-، بواسطه احساس امنیت ۰/۰۹، بواسطه احساس عدالت ۰/۰۳ و بواسطه ارضای نیاز ۰/۰۹ و کل اثر غیرمستقیم همفکری حدود ۰/۱۰ است. بنابر این بیشترین تأثیر غیرمستقیم بعد همفکری خانواده از طریق متغیر واسطه‌ای ارضای نیازها بر رضایت نوجوانان اعمال می‌شود.

تأثیر غیرمستقیم همدلی در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی بواسطه احساس امنیت ۰/۰۲، بواسطه احساس عدالت ۰/۰۲ و بواسطه ارضای نیازها ۰/۰۶ و در مجموع کل اثر غیرمستقیم همدلی ۰/۱۰ می‌باشد. در این جا نیز بیشترین تأثیر از طریق ارضای نیازها اعمال می‌شود.

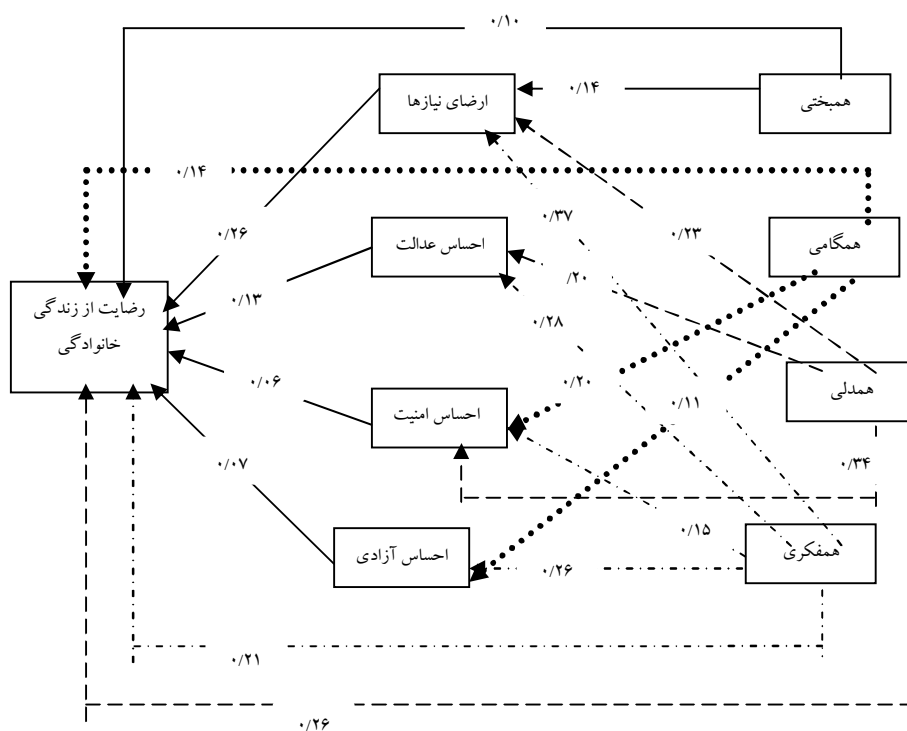
اثر غیرمستقیم همگامی بر متغیر وابسته بواسطه احساس آزادی ۰/۰۷- و بواسطه احساس امنیت ۰/۰۱- و در مجموع کل اثر غیرمستقیم همگامی تقریباً ۰/۰۲- است. کل اثر غیرمستقیم همبختی بواسطه ارضای نیاز ۰/۰۳ می‌باشد.

در مجموع تأثیر غیرمستقیم سه مورد از ابعاد چهارگانه نظم بر تأمین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی از طریق متغیر واسطه‌ای ارضای نیازها معادل ۰/۱۸ است.

۵- اثرات مستقیم و غیرمستقیم همفکری، همدلی، همگامی و همبختی بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی به ترتیب برابر با ۰/۳۲، ۰/۳۶، ۰/۱۲ و ۰/۰۷- است که

در مجموع رقم $0/73$ (ضریب همبستگی چندگانه) را حاصل می‌نماید. بر این اساس میزان تغییرات تبیین شده متغیر وابسته در این مدل یعنی R^2 معادل $0/53$ خواهد بود. بدین ترتیب متغیرهای مدل توانسته‌اند 53% از واریانس متغیر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی را تبیین نمایند. در این میان باز هم باید گفت، بیشترین تأثیر در تأمین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی متعلق به دو بعد همدلی و همفکری از ابعاد چهارگانه نظم است. افزون بر این سه متغیر واسطه‌ای احساس امنیت، عدالت و آزادی کمتر از متغیر ارضای نیازها برای این گروه سنی بر رضایت نوجوانان تأثیرگذار بوده‌اند. نتیجه‌ای که تا حدی متفاوت از یافته‌های برخی پژوهش‌هایی است که بر اساس نمونه‌ای متنوع‌تر از لحاظ سنی انجام شده‌اند (نگاه کنید به علیزاده، 1386)

نمودار تحلیل مسیر



بحث و نتیجه گیری

چنان که دیدیم، در این پژوهش بر حسب مقیاس رضایت از زندگی هیوبر (بخش خانوادگی)، رضایت نوجوانان مورد مطالعه از زندگی خانوادگی شان در حد بالایی معادل ۴/۲۲ از ۵ بدست آمد. این یافته هم از حیث توصیفی و هم از وجه تبیینی و سبب شناسی با نتایج بیشتر پژوهش های داخلی همخوانی دارد. یعنی از تأثیری که از متغیرهای کیفی و عاطفی مرتبط با روابط خانوادگی می پذیرد. (نگاه کنید به بخش پیشینه تحقیق به ویژه قسمت جمع بندی از پژوهش های گزارش شده). روشن است که اگر نیازهای بشر تا حد مطلوبی ارضا شوند، انسان احساس رضایت خواهد کرد، هرچند، این رضایت امری موقت و ناپایدار است. مازلو معتقد است هر چه یک نیاز در مراتب پایین تری باشد، نیرومندی، تأثیر و تقدم آن بیشتر خواهد بود. نیازهای بالاتر، ضعیف تر هستند (شولتز، ۱۳۸۱: ۳۴۳). اگر چه با ارضای نیازهای اولیه در جریان رشد انسان نیازهای سطوح بالاتر از قوت و اهمیت بیشتری برخوردار خواهند شد.

اطلاعات بدست آمده در این پژوهش نشان داد، نیازهای فیزیولوژیک و نیاز به امنیت در بین افراد نمونه اثر چندانی بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان نداشته اند. شاید به خاطر آن که نیازهای مزبور برای افراد مورد بررسی تا سن کنونی شان در حد بالا و برای مدت زیادی تأمین شده اند. همچنین در بررسی تأثیر همزمان میزان ارضای نیازهای مختلف بر متغیر وابسته ملاحظه شد که دو نیاز تعلق پذیری و عشق و نیاز به احترام بیشترین تأثیر را در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی داشته اند و نیازهای فیزیولوژیک، احساس امنیت و احساس عدالت از مدل رگرسیونی خارج شده اند. این یافته تجربی از یک سو با نظریه سلسله مراتبی بودن نیازهای مازلو و شکوفایی نیاز تعلق پذیری و عشق و نیاز به احترام و مورد تصدیق واقع شدن در دوره نوجوانی مطابقت دارد و از سویی دیگر با گفته اینگلهارت مبنی بر این که «در صورتی که خواسته ها و نیازهای معینی، مدت های مدیدی ارضا شده باشند، مردم بهای کمی به آنها داده و متوجه خواسته های دیگر می شوند» (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۴۱) همخوانی دارد.

به نظر می رسد، نیازهای پایه ای در طبقه بندی مازلو یعنی نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی در اغلب خانواده های مورد بررسی و احتمالاً اکثریت خانواده های جامعه که وضعیتی کم و بیش متعارف دارند (به جز خانواده های پر مشکل و نابسامان)، در حد قابل قبولی ارضا

می شوند. اما نیازهای سطوح بالاتر، «تعلق پذیری و عشق»، «احترام و به رسمیت شناخته شدن» و «نیازهای شناختی» که برای گروه سنی نوجوانان از حساسیت بسیار بالایی برخوردارند، به گفته پاسخگویان در بسیاری موارد زمینه‌های تأمین حداکثری آنها چنان که باید فراهم نیست، یا حتی در صورت فراهم بودن زمینه‌های لازم، ارضای نیازهای مزبور کمتر جنبه سیری پذیری یا اشباع شدنی دارند. از این رو میزان ارضای این نیازها (مورد محبت و احترام قرار گرفتن)، نقش تعیین کننده‌ای در تأمین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی‌شان پیدا می کنند تا جایی که اهمیت متغیر احساس عدالت نیز در کسب رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی از حیث میزان تأثیر آن در معادله رگرسیون به شدت کاهش می یابد.

در بررسی انجام شده، نیازهای شناختی، بعد از نیاز تعلق پذیری و عشق و نیاز به احترام بیشترین تأثیر را بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی داشته است (ضریب همبستگی پیرسون = $0/56$ و ضریب بتا = $0/17$). قبلاً دیدیم که به لحاظ آماری این سه متغیر توانسته‌اند تقریباً 50% از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. در هر صورت رضایت کاملتر وقتی حاصل می شود که احساس عدالت وجود داشته باشد و به عبارت دیگر احساس محرومیت نسبی پایین باشد. اما، لاقلاً در چارچوب خانواده - بر حسب مطالعه فعلی - چنان چه نیازهای احساسی - عاطفی یعنی عشق و محبت و نیاز به احترام و نیازهای شناختی و به طور همزمان همدلی و همفکری، در حوزه‌های مختلف به ویژه در حیطه‌های معاشرتی و تربیتی در حد بالایی ارضا شده باشند، اهمیت احساس عدالت، کاهش می یابد. (از همبستگی دو متغیری معادل $0/54$ با رضایت نوجوانان به بتای $0/10$ در همبستگی چندگانه، نگاه کنید به جداول ۸ و ۹)

از سوی دیگر، چگونگی و کم و کیف ارضاء متغیرهای واسطه‌ای، به میزان تحقق نظم در خانواده بستگی دارد. بدین معنی که هر چه میزان تحقق همفکری، همدلی، همگامی و همبختی در بین اعضای خانواده بیشتر باشد، احتمالاً نیازهای فیزیولوژیک، احساس امنیت، تعلق پذیری و عشق، نیاز به احترام، نیازهای شناختی، احساس عدالت و احساس آزادی بیشتر و بهتر تأمین شده و نهایتاً رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی بالاتر خواهد رفت. به این ترتیب می توان گفت، تحقق نظم در خانواده از آن جهت که مستلزم فقدان اختلاف و تعارض و بلکه وجود انسجام و همگرایی توأم با رضایت در مسائل و حوزه‌های گوناگون

است، بستر و زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که در آن، عوامل بلافصل مؤثر بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شکل می‌گیرند. این مکانیزم، تأثیر غیرمستقیم نظم در خانواده را بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی آشکار می‌سازد. (نگاه کنید به مدل تحلیل مسیر)

بررسی رابطه دو متغیری نظم در خانواده و ابعاد چهارگانه آن با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی، حاکی از این است که بین این متغیرها همبستگی مستقیم، مثبت و قوی‌ای وجود دارد. نتایج اجرای رگرسیون بین ابعاد چهارگانه نظم در خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نیز مؤید همین یافته‌ها است. البته مدل رگرسیونی فوق‌الذکر نشان می‌دهد، همبختی متغیر مناسبی برای تبیین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نبوده، لذا از معادله رگرسیونی کنار رفته است. در این مدل، قوی‌ترین تأثیر مربوط به دو بعد همدلی و همفکری در خانواده است. به این معنا که در مواردی رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی شان افزایش می‌یابد که همدلی و همفکری و در مرتبه بعد همگامی میان اعضای خانواده به مقدار بالاتری تحقق یافته باشد. با وجود این، بر اساس یافته‌های کلی‌تر پژوهش و نتایج تجربی بدست آمده، می‌توان فرضیه علی تحقیق را به عنوان یک یافته یا گزاره نظری تأیید شده پذیرفت: «تحقق نظم در خانواده، رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی را بدنبال دارد».

پیشتر گفته شد، نظریه چلبی از حیث تحلیل تئوریک، بر آن است که میزان حل شانزده مسئله ژنریک خانواده در تبیین رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی سهمیم هستند. یافته‌های این تحقیق، نشان می‌دهد که متغیر نظم در قالب شاخص کلی آن و نیز چهار مؤلفه و حوزه‌های مسئله‌ای مربوط به نظم و همچنین تمامی شانزده مسئله ژنریک خانواده هر یک به تنهایی با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی همبستگی قابل توجهی دارند. اما هنگامی که تأثیر همزمان شانزده مسئله ژنریک خانواده را با متغیر وابسته محاسبه کردیم، معلوم شد که تنها هفت مسئله ژنریک همگامی تربیتی، همدلی تمشیتی، همفکری تربیتی، همدلی معیشتی، همدلی معاشرتی، همفکری معیشتی و همفکری معاشرتی از شانزده مسئله در مدل رگرسیونی باقی مانده‌اند. این بدان معنا است که در خانواده‌های مورد بررسی هر چه میزان تحقق این هفت مسئله ژنریک افزایش یابد، رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نیز بیشتر می‌شود. هفت مسئله ژنریک مذکور در مجموع بیش از ۵۰٪ از

واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. در این میان، همگامی تربیتی بیشترین و همفکری معاشرتی کمترین تأثیر را بر روی رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی داشتند. بر اساس این نتایج می‌توان اینگونه استنباط کرد که همدلی و همفکری از بین چهار بعد مسئله نظم و حوزه‌های تمشیتی، معاشرتی و تربیتی از بین مشکلات چهارگانه خانواده اهمیت بیشتری در تبیین رضایت گروه سنی نوجوان از زندگی خانوادگی شان دارند. همچنین شاید بتوان این نتایج را در راستای اهمیت تأثیر بیشتر بعد اظهاری و عاطفی تعاملات خانوادگی در جلب رضایت اعضا به ویژه نوجوانان تفسیر کرد.

بنابر آن چه گفته شد، مطالعه حاضر، شواهد تجربی مساعدی برای تأیید و آشکارسازی توانایی «نظریه نظم در سطح خرد» و کارایی آن در تبیین و تحلیل پدیده‌های اجتماعی در گروه‌های کوچک و در این جا رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی فراهم می‌آورد. در نهایت می‌توان گفت، رضایت انسان از زندگی و ابعاد آن نظیر زندگی خانوادگی، پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و متغیر است که نه تنها نشان‌دهنده فرآیندهای کوتاه‌مدت و بلندمدت سطح فردی بلکه همچنین حاصل کنش متقابل میان عوامل فردی با عوامل اجتماعی و خانوادگی است. به عبارت دیگر درک صحیح و جامع فرآیند احساس رضایت، زمانی ممکن است که عوامل مؤثر بر رضایت در سه سطح خرد، میانی و کلان به طور همزمان بررسی و تحلیل شوند.

در این تحقیق عوامل مؤثر بر رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی در دو سطح فردی و میانی مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح میانی (خانواده) نشانه‌هایی وجود دارد دال بر این که بین تحقق نظم در خانواده در حالت کلی آن و تحقق همفکری ($Beta = 0.33$)، همدلی ($Beta = 0.35$) و همگامی ($Beta = 0.13$) در خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی نوعی رابطه علی موجود است. در خصوص مشکلات چهارگانه خانواده، یافته خاص تحقیق حاضر این بود که حل مشکلات تربیتی خانواده ($Beta = 0.30$) در وهله اول و معاشرتی و تمشیتی ($Beta = 0.17$) در مرحله دوم، بیشترین اثرگذاری را در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی دارد. در سطح فردی نیز ارضاء نیازهای تعلق‌پذیری و عشق ($Beta = 0.38$)، نیاز به احترام ($Beta = 0.29$) و نیازهای شناختی ($Beta = 0.17$) بیشترین تأثیر را در رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی داشتند که تاییدی بر این نظر است: بعد از تأمین حداقلی از نیازهای جسمانی و

مادی، نیازهای روانی و اجتماعی انسان اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری پیدا می‌کنند. بر این اساس، شاید بتوان گفت، در جوامع امروزی - و طبق نتایج این تحقیق در جمعیت مورد بررسی - تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی در رضایت از زندگی خانوادگی تأثیر قاطع و بی‌چون و چرایی ندارند زیرا بزرگترین تفاوت‌ها در رضایت از زندگی به مقولات احساسی - اجتماعی مربوط می‌شوند (Veenhoven, 1996:14). نبود همین مقولات اجتماعی - احساسی به نظر پارسونز مشکل اساسی نظم اجتماعی است که او آنرا مشکل انسجامی می‌نامد (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۴). چلبی همین مقولات را خمیرمایه اصلی «ما» می‌داند و معتقد است که احساس تعلق افراد به یکدیگر و به «ما»، جوهره بنیادین هر «ما»یی است و فقدان حداقل نوعی همدلی و احساس تعلق مشترک باعث اضمحلال «ما» به «من»ها می‌گردد (چلبی، ۱۳۸۲: ۲۰).

دیدگاه‌های نظری مورد استفاده در این مقاله و نتایج تجربی حاصل شده در راستای آنها، محققان را برمی‌انگیزد تا به عنوان یکی از پیشنهادهای اصلی تحقیق بر تقویت بعد عاطفی و اظهاری روابط خانوادگی و کوشش برای دست یافتن به سطح بالاتری از همدلی، همفکری و ارضای نیازهای تعلق‌پذیری و عشق، احترام و به رسمیت شناخته شدن و شناختی پس از ارضای حداقلی از نیازهای اولیه نوجوانان در خانواده از سوی والدین تأکید ورزند. آموزش نظری و مهارتی بینش‌ها و فنون مرتبط با چنین امری در توانمندسازی والدین برای داشتن خانواده‌ای بهتر، منظم‌تر و رضایت‌بخش‌تر در قالب برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی خانواده امکان‌پذیر خواهد بود.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳) دانشنامه سیاسی، تهران؛ انتشارات مروارید
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- برلین، آیزیا (۱۳۸۰) چهار مقاله درباره آزادی؛ ترجمه محمدعلی موحد؛ تهران؛ انتشارات خوارزمی
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی؛ تهران؛ انتشارات کیهان
- پاجمن، لوئیس (۱۳۸۶) نظریه لیبرال عدالت؛ خردنامه همشهری؛ شماره ۱۸؛ ۴۹ - ۴۶
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۳) بررسی آمار جرایم در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۰، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های

- اجتماعی در ایران، جلد اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۲۲ - ۸۳
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸) خودکشی؛ ترجمه نادر سالارزاده امیری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۲) رفتارهای فرهنگی ایرانیان؛ تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۴) جامعه روستایی و نیازهای آن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۲) آناتومی جامعه؛ تهران: انتشارات سهامی خاص
- زردموی، شاپور (۱۳۸۷) بررسی رابطه میزان تحقق نظم در خانواده با رضایت نوجوانان از زندگی خانوادگی (در شهر تهران)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم
- سازمان ملی جوانان، (۱۳۸۱) وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران، تهران: انتشارات روناس
- شولتز، دوآن (۱۳۸۱) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، تهران: نشر ارسباران
- صفدری، سلمان (۱۳۷۴) رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۸) تحولات فرهنگی در ایران، تهران: نشر روش
- علیزاده، جواد (۱۳۸۶) رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)؛ دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها
- کوزر، لوئیس (۱۳۶۸) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۵) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی
- مازلو، آبراهام (۱۳۷۵) انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- محسنی، منوچهر و پرویز صالحی (۱۳۸۲) رضایت اجتماعی در ایران، تهران: نشر آرون

- Carolyn, Henry, (1994), Family System Characteristics, Parental Behaviors and Adolescents Family life Satisfaction, Journal of family relation, Oct.
- Durkheim, Emile (1951), Suicide, NewYork , The Free Press
- Gilman, R. Huebner, E, S & Laughlin, J, E (2000) A First Study of the Multidimensional Students Life Scale With Adolescents, Social Indicators Research, 52, 135 - 160
- Olson David H. (1994) Family Satisfaction Scale (FSS), Life Innovations, Inc. WWW.Facesiv.com
- Plunkett Scottie Wayne, (1999) Adolscent Perception of Interparental Conflict, Stressor, and Coping as Predictor of Adolscent Family Life Satisfaction, Ph.D. Dissertation, Oklahoma State University.
- Veenhoven, Ruut, (1996) Comparative Study of Satisfaction with life in Europe, Eövös University press.